



# انترناسیونال ۳۶۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۸۹، ۶ اوت ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

صفحه ۷

## ۲۸ اوت ۲۰۱۰ صد شهر جهان علیه سنگسار!

فراخوان به مردم جهان: سه شنبه ۱۰ اوت ۲۰۱۰ برای نجات سکینه محمدی آشتیانی بخوابانها بیاید!

### چرا چپها در مورد سنگسار سکینه ساکتند؟

کاظم نیکخواه

برزیل و کشورهای متعدد اروپا و آمریکا و آسیا میلیونها نفر سرنوشت سکینه را با نگرانی دنبال میکنند و مردم بسیاری تلاش کرده اند به پیشبرد هدف این کمپین به هر شکلی کمک بکنند. تنها در یک قلم ۷۵۰ هزار نفر یکی از چندین طومار محکومیت سنگسار سکینه را

صفحه ۳

### کنفرانس مطبوعاتی مینا احدی و مریم نمازی در مورد

سکینه محمدی آشتیانی



صبح روز ۳۰ جولای کنفرانس مطبوعاتی در مورد حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی در لندن برگزار شد. خبرنگاران رسانه های مختلف از جمله بی بی سی ورلد سرویس، گاردین، تایمز، سی ان ان، فاکس نیوز، اشترن، صدای آمریکا فارسی و انگلیسی، آسوشیتدپرس، پولیتیکا از ترکیه و چند رسانه دیگر در سالن کنفرانس حضور داشتند و

صفحه ۲

### صفحات دیگر

جمال صابری از بازداشتگاه اداره مهاجرت ژاپن آزاد شد!

صفحه ۱۲

اعتراضات در خلاء صورت میگیرند!

در حاشیه نوشته مصطفی رشیدی، یدی محمودی، صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی به معضل خودش تبدیل شده است

هادی وقفی، صفحه ۱۱

جمهوری اسلامی به نور چشمی های خود هم رحم نمی کند

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۹

اخباری از اعتراضات کارگری، صفحه ۱۰

### رژیم سنگسار را به رسمیت نشناسید!

نامه سرگشاده مینا احدی به سران دولتها

جمهوری اسلامی رژیمی است که تا کنون بر اساس آماری که ما داریم، حداقل ۱۰۹ نفر را سنگسار کرده است و هم اکنون ۲۵ نفر محکوم به سنگسار در زندانهای این حکومت قرون وسطائی به سر میبرند. اعدام هزاران نفر در سی و یکسال اخیر، اعدام کودکان و نوجوانان و دست و پا بریدن و چشم در آوردن در پرونده این حکومت ثبت شده است. جمهوری اسلامی رکورددار بیشترین اعدام (به نسبت جمعیت) در دنیا است و در حال

صفحه ۲

### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۶

یک تقلای شکست خورده

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۸

### بازتاب هفته

پشت ماجرای کشاکش طرفداران تیم

تراکتور سازی و پرسپولیس

امیر تابش از تبریز

آشوب و بلوا در صفوف حکومتیان

یاشار سهندی

ابعاد عظیم چپاول حکومتی ها

محمد شکوهی

فوتبال و ناسیونالیسم و سرنگونی طلبی

امید بهرامی

صفحات ۵-۴



### تظاهرات در دفاع از زندانیان

سیاسی شنبه ۷ آگوست

جان ده ها زندانی سیاسی در خطر

جلدی است- ص ۷

### موسوی و قتل عام

تابستان ۶۷

کاظم نیکخواه

شیخ کشتارهای فجیع سال ۶۷ دست از سر میرحسین موسوی بر نمیدارد. و برخواهد داشت او هرجا پا میگذازد به حق زیر این فشار قرار میگیرد که در مورد این مساله مهم پاسخ دهد. و پاسخ او تاکنون سکوت بوده است. اما این روزها موسوی سکوت را در این مورد شکست. موسوی این روزها در دیدار با جمعی از روزنامه نگاران خودی بازهم مورد این سوال قرار گرفت که چرا در این مورد حرفی نمیزند و توضیحی نمیدهد. جماعت اپوزیسیون رژیمی و دوم خردادیهایی "سبز شده" خودرا همه جا زیر این فشار می بینند و امیدشان اینست که جناب موسوی راهی را باز کند که فشار کشتار ۶۷ از سر آنها برداشته شود. موسوی در جواب آنها میگوید "مساله سال ۶۷ را باید در منظر تاریخی خود بررسی کرد و بعد هم دید آیا دولت در این زمینه اطلاعی داشته است؟ نقشی داشته است؟... آیا در احکام و اسناد، نامی از دولت وجود داشته است؟ دولت که نقشی در این مساله نداشته است. خیلی از کسان دیگر هم اطلاع نداشته اند. اما برای مطرح کردن این مسائل با ذکر جزئیات، من هم محذوراتی دارم" وقتی رئیس دولتی که

صفحه ۳



### نامه سکینه محمدی آشتیانی به مینا احدی

خیلی شبها قبل از خواب فکر میکنم چه کسی حاضر است به سوی من سنگ پرتاب کند، دستها و صورتم را نشانه رود، چرا؟  
از زندان تبریز از همه شما تشکر میکنم، خانم احدی به همه بگو من از مرگ میترسم، کمک کنید زنده بمانم و فرزندانم را بغل کنم.  
سکینه محمدی آشتیانی - زندان تبریز (این در کنفرانس مطبوعاتی روز ۳۰ ژوئیه ۸ مرداد ۸۹) به فارسی و انگلیسی قرائت شد.

سکینه محمدی آشتیانی هستم و از زندان تبریز از همه کسانی که به یاد من هستند، تشکر میکنم.  
من تا کلاس پنجم درست خوانده ام، بعد از ازدواج صاحب دو بچه شده ام که همه امید من به آنهاست.  
الان ساکت و غمگین هستم، چون بخشی از قلبم یخ زده.  
روزی که جلوی چشم سجاد شلاق خوردم، له شده بودم، شخصیتم و قلبم شکست. روزی که حکم سنگسار دادند، انگار به یک چاه افتادم و از هوش رفتم.

مریم نمازی پاسخ داده شد و بلافاصله پس از کنفرانس که يك ساعت بطول انجامید، مصاحبه های متعددی با اعضای پانل انجام شد. بیانیه ای با امضای ۴۷ سازمان و شخصیت شناخته شده با خواست پایان دادن به احضار و کیل سکینه، محمد مصطفائی، و آزادی همسر و برادر همسر او نیز در این کنفرانس منتشر شد. سخنرانان در این کنفرانس خواهان لغو حکم سنگسار و اعدام برای سکینه و آزادی او شدند و همینطور خواهان پایان دادن به اعدام و سنگسار شدند. اسناد کامل این کنفرانس را از سایتهای کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و ایران سولیداریتی میتوانید بدست آورید. خواهد شد.

شر جمهوری اسلامی سرنگونی این رژیم قرون وسطائی به قدرت مبارزه مردم ایران است و انتظار مردم ایران از شما سران دولتها اینست که با برسمیت نشناختن و بایکوت سیاسی رژیم اسلامی به مبارزه برحق و آزادیخواهانه شان یاری برسانید. رژیم سنگسار و شکنجه و شلاق و نقص عضو و اعدام شایسته برسمیت شناخته شدن از جانب هیچ دولت و مرجع بین المللی نیست.  
با تشکر مینا احدی  
سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار  
۴ اوت ۲۰۱۰

### از صفحه ۱

محمدی از زندان تبریز در ابتدای برنامه توسط مینا احدی و همزمان به انگلیسی توسط بهرام سروش قرائت شد. سکینه محمدی در پیام خود از همه کسانی که به یادش بوده اند تشکر کرد و گوشه ای از زندگی خود را بازگو کرد. گزارش صدا و سیما جمهوری اسلامی که با نشان دادن دقایقی از تظاهرات روز ۲۴ جولای در لندن، و با دروغ پردازی درمورد پرونده سکینه سعی در مخدوش کردن افکار عمومی داشت همراه با توضیح انگلیسی پخش شد و تناقض گوئی قوه قضائیه و صدا و سیما درمورد اتهام سکینه نشان داده شد. بدنبال سخنرانی ها نمایندگان رسانه ها سوالات خود را مطرح کردند که عمدتاً توسط مینا احدی و

### کنفرانس مطبوعاتی ...

گزارش و فیلم تهیه کردند.  
در این کنفرانس مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار اسناد تازه ای درمورد سکینه محمدی، مریم قربان زاده و چند نفر دیگر که در سالهای اخیر توسط جمهوری اسلامی سنگسار و یا محکوم به سنگسار شده اند، ارائه کرد و متن ترجمه شده اسناد را در اختیار رسانه ها قرار داد.  
پیتر تاچل فعال حقوق بشر، مریم نمازی و ای سی گرلینگ، فیلسوف اومانیست از دیگر اعضای پانل بودند و سخنرانی های کوتاهی ارائه کردند. فربرز پویا مجری کنفرانس بود.  
پیام تازه و تکان دهنده سکینه

### نامه سرگشاده مینا احدی ...

#### از صفحه ۱

که حاضر است که سکینه و خانواده اش را بعنوان پناهنده بپذیرد. این يك قدم مثبت در جهت نجات جان سکینه است که امیدوارم با اقدامات مشابهی از جانب دولتهای دیگر دنبال شود.  
خانها و آقایان محترم!  
دنیای قرن بیست و یکم نمیتواند و نباید حکومت سنگسار را تحمل کند. من از جانب مردم ایران از شما میخواهم که رژیم جمهوری اسلامی را به رسمیت نشناسید. راه واقعی، ممکن و متمدنانه خلاصی جهان از

حاضر تنها رژیمی در جهان است که کودکان و نوجوانان را اعدام میکند. این حکومت نماینده مردم ایران نیست قاتل آنان است و سران آن باید بجرم جنایت علیه بشریت به دادگاههای بین المللی سپرده شوند.  
در این میان انتظار مردم ایران و همه مردم متمدن دنیا از شما اینست که برای نجات جان سکینه و برای لغو توحش قرون وسطائی سنگسار در ایران جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهید. هفته قبل آقای دیسلوا لولا رئیس جمهور برزیل اعلام کرد

### سکینه محمدی و فرشته حلیمی همسر مصطفائی بی گناهند و باید فوراً آزاد شوند

جزئیات بیشتری درمورد وضعیت کنونی پرونده سکینه محمدی آشتیانی

سال قبل بررسی شده و تنها اتهام او توسط دادگاه رژیم در تبریز "زناى محصنه" بوده است. اما اکنون جمهوری اسلامی بی اعتنا به افکار عمومی جهانی، و با پرونده پوشی آشکار علیه سکینه، میخواهد او را به اتهام قتل همسرش اعدام کند. دادگاههای رژیم در حالی این اتهام را به سکینه نسبت میدهند که يك نفر دیگر را چهار سال قبل به این اتهام دستگیر کرده و چون سجاد با اعدام او موافقت نکرده، او همچنان در زندان است و سکینه نیز همان موقع به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شده و این حکم جنایتکارانه نیز درمورد او اعمال شده است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۵ اوت ۲۰۱۰

طبق خبری که يك منبع کمیته علیه سنگسار از تهران برای ما ارسال کرده است، حسین نوبخت معاون دادستان تبریز درخواست تبدیل حکم سنگسار سکینه به اعدام را کرده است. داودی رئیس شعبه نهم دیوانعالی کشور رسیدگی مجدد به پرونده سکینه را متوقف کرده و محسن ازه ای رئیس دیوان عالی کشور و سعید مرتضوی معاون دادستان کل کشور ارجاع شده است. با رد درخواست وکیل سکینه مبنی بر بررسی مجدد پرونده، و سپردن سرنوشت سکینه به دست جنایتکارترین پاندهای رژیم، اکنون خطر اعدام سکینه را بطور جدید تهدید میکنند. پرونده سکینه چهار کامل سکینه است و سکینه باید فوراً

## چرا چپ ها ...

از صفحه ۱

## کاظم نیکخواه

امضا کرده‌اند. نهادهای مدافع حقوق انسانی و شخصیتها و هنرمندان و نویسندگان زیادی پا به این کمپین گذاشته‌اند. بدون اغراق صدها رسانه مهم و رسمی دنیا عکس سیکنه را بارها در صفحات اول خود منتشر کرده‌اند، در برنامه‌های تلویزیونی تفسیر و خبر و گزارش پخش کرده‌اند، و از او و دو فرزندش، از کمیته بین‌المللی علیه اعدام و سنگسار و مینا احدی سخنگوی آن و مریم نمازی و روز سیکنه و کنفرانس مطبوعاتی آنها و غیره سخن گفته‌اند، مصاحبه کرده‌اند و گزارش پخش کرده‌اند. حتی سران دولتها از اوایما و کلینتون و لولا و مقامات اتحادیه اروپا گرفته تا سران حکومت اسلامی ناچار شده‌اند از سیکنه و حکم سنگسارش بارها سخن بگویند. قاعدتا هرکس که دلش برای انسانیت می‌تپد تلاش میکند گامی برای نجات این زن که اسیر دست دیوهای منحوس تاریخ شده است و قرار است او را زجرکش کنند، بردارد. حزب کمونیست کارگری تمرکز اصلی‌اش را این مدت روی این موضوع گذاشته است و با تمام توان دارد تلاش میکند که سیکنه از سنگسار و اعدام خلاص شود و آزاد گردد، و دیگر احکام سنگسار دور انداخته شود و مجازات شنیع اعدام و سنگسار برچیده شود و جمهوری اسلامی عقب رانده شود و انسانیت گامی به جلو بردارد. اما در این وسط از بقیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بویژه از چپها و کمونیستها خبری نیست. مطلقا خبری نیست. نه اطلاعیه‌ای، نه بیانیه‌ای، نه کمپینی، نه شرکتی در کمپین و تظاهراتهایی که در چهارگوشه دنیا جریان دارد، نه تلاشی، نه حتی نقدی یا حداقل انعکاس اخبار این موضوع مهم دنیا. واقعا قابل توجه نیست؟ حتی صدا و سیمای جمهوری اسلامی به شیوه خودش ناچار شده است خبر و فیلمی از تظاهراتها و کمپین نجات سیکنه پخش کند و تقلا کند فشار عظیم آنرا از روی خود کمتر نماید، اما با وجود این کسانی که خود را کمونیست و آزادیخواه و انسان دوست و ضد حکومت اسلامی و امثال اینها میدانند در مورد موضوعی به این مهمی که توجه دنیا را به خود جلب کرده است و حکومت را به دست و پا انداخته است لام تا کام سخن نمیگویند! قاعدتا همه جریانها چپ



علیه مجازات شنیع و فجیع و ضد انسانی سنگسار هستند. قاعدتا همه آنها که مورد نظر من هستند علیه جمهوری اسلامی هستند. قاعدتا همه این جریانها میدانند که این مبارزه و تلاش انسانی، یک ضربه جدی به جمهوری اسلامی است. سوال اینست که چپها کجا هستند؟ بسیار برایم جالب است که اعضای گروهها و احزاب و جریانها سیاسی پاسخ دهند که چرا در مورد مساله‌ای از نظر میلیونها نفر مردم دنیا به این مهمی حزب و سازمان و محفل و گروه متبوعه شان و حتی خودشان بطور فردی کاری نمیکنند چیزی نمیگویند. چرا در کنار مردم گوشه و کنار جهان در تظاهرات و کمپینی یا نمیگذارند. چرا حداقل اخبار آنرا منعکس نمیکنند؟ چرا نامه فرزندان این زن محکوم به سنگسار را در نشریات و سایتهایشان درج نمیکنند؟ چرا حمایت میلیونی مردم دنیا از این زن زجر کشیده و بویژه حرکت مردم دنیا علیه حکومت توحش اسلامی شادمانشان نمیکنند؟ حتی اگر به هر دلیلی نمیخواهند نشان به این کمپین یا بهتر است بگویم این جنبش جهانی بخورد، چرا بطور مستقل کاری نمیکنند و تکانی نمیخورند؟ این سکوت و سکون را چگونه باید توضیح داد؟ روی سخن من به همه آنها بیست که خودرا چپ و کمونیست میدانند. از حزب کمونیست ایران تا جریانها مختلف فدایی گرفته تا راه کارگر و جریاناتی که تحت عنوان حزب حکمتیست و حزب اتحاد سخن میگویند و همچنین محافل چپ و کارگری و حتی فعالین منفرد چپ. (تنها و تنها یک نوشته مغشوش بعد از حدود یک ماه از شروع این جنبش در این مورد از یکی از رهبران حزب حکمتیست منتشر شد که آنهم کاملا معلوم بود که محض خالی نبودن عریضه است و در این شماره نشریه جداگانه به آن پرداخته شده است). میدانم که جریاناتی که نام بردم و آنها که نام نبرده‌ام با هم تفاوتها و اختلافات زیادی دارند و دلیل سکوتشان هم علی‌الاصول باید با هم متفاوت باشد. اما هر دلیلی داشته باشد مطلقا نمیتوانم فکر کنم که دلیل

قابل قبولی وجود داشته باشد. واقعا مثل روز روشن نیست که وقتی زنی به دست یک مشت گرگ خونخوار اسیر شده هرکسی موظف است کاری برای نجات او بکند؟ روشن نیست که ما آدمها حتی اگر خودرا کمونیست هم نمیدانستیم، بعنوان یک انسان مسئولیت داریم که برای نجات این زن کاری بکنیم؟ مخصوصا اگر امیدوی برای نجات او وجود داشته باشد. که این امید با این جنبش جهانی و پاسخی که گرفته‌اکنون کم نیست. آیا روشن نیست که این یک مبارزه سیاسی مهم و موثر علیه توحش اسلامی حاکم در ایران است؟ آیا روشن نیست که جنبش علیه سنگسار و اعدام تا همینجا گامهای بلندی به جلو برداشته است؟

گفتم که دلایل سکوت اینها با هم متفاوت است. میدانم که برخی از اینها به دلیل دشمنی هیستریکشان با حزب کمونیست کارگری در مورد مساله‌ای تا این حد انسانی و حساس فلج شده‌اند. اما آیا همین که این خصومت آنها را نسبت به مساله سنگسار و مبارزه جهانی برای سنگسار یک زن و تقاضای کمک فرزندان، زمین گیر کرده است، نباید نسبت به نفس این دشمنی و خصومت کور به فکر بیندازد؟ نباید به این فکر بیندازد که این خصومت دارد کار آنها را به کجا میکشاند؟

اما همه این جریانها قاعدتا این مشکل را ندارند. مسالشان باید چیز دیگری باشد. بویژه برای من سوال است که رفقای کومه‌له و حزب کمونیست ایران چرا در مورد مساله‌ای به این اهمیت و حساسیت سکوت کرده‌اند؟ شاید کسی بگوید این مساله مهمی نیست و مسائل مهم تری نسبت به سنگسار یک زن وجود دارد. شاید کسی بگوید در محور این کمپین شخصیتهای حزب کمونیست کارگری قرار دارند و ما با اینها اختلاف نظر داریم. شاید کسی بگوید این کمپین و مبارزات به دلیل اختلاف غرب با جمهوری اسلامی برجسته شده است و امثال اینها... اما یکی لطف کند و بیاید سیاه روی سفید همین جوابها را رسما بدهد ببینند واقعا یک دقیقه میتواند در یک بحث از اینچنین موضوعی دفاع کند. سوال بسادگی اینست سنگسار یک زن به شما مربوط نیست؟ فراخوان تکان دهنده دو جوان برای نجات مادرشان از دست دژخیمان از گور برخاسته شما را تکان نمیدهد؟ اینکه جمهوری اسلامی به دلیل قانون سنگسار اینچنین زیر فشار قرار گرفته

که هر روز ناچار است عکس العملی نشان دهد و خودرا رسواتر کند شما را به شوق نمی‌آورد؟ اینکه برای اولین بار این ما مردم و کمونیستها هستیم که امر انسانی مان را به صدر اخبار دنیا رانده‌ایم و توجه‌ها را در اقصا نقاط جهان به اعدام و سنگسار در ایران و به جنبش آزادیخواهان در ایران و وضعیت زنان و مساله سرنگونی جمهوری اسلامی جلب کرده‌ایم موفقیتی شور انگیز نیست؟ و بالاخره اگر هم با این حرکت و جنبش جهانی و با حزب کمونیست کارگری مشکلی دارید نمیتوانید مستقلا و جداگانه کاری بکنید؟ اینکه دامنه تاثیر واقعی این جریانها بر این جنبش حتی اگر فعالانه در آن شرکت میکردند تا چه حد میتوانست باشد موضوع بحث نیست. اینکه خیلی از این جریانها در مورد

## موسوی و قتل عام ...

حکومتش ده تا پانزده هزار نفر از عزیزان مردم را در زندانها و شکنجه گاههای تحت امرش قتل عام کرده است اینچنین سخن میگوید، براستی باید به او گفت ساکت بمانید به نفعتان است. برادر! محذورات داری حرف نزن. مردمی عزیزانشان را از دست داده‌اند. خشمگین اند، پاسخ میخواهند، دست اندرکاران حکومت را قاتلین فرزندانشان میدانند، و بعد نخست وزیر جمهوری اسلامی دهانش را باز میکند و میگوید من خبر نداشتم؟! واقعا انتظار دارید این مردم به شما چه بگویند؟ مگر حرفهای خودتان در دفاع از این اعدامها را که در روزنامه‌ها آمده بود فکر میکنید مردم از یاد برده‌اند؟ مگر نخست وزیر جمهوری اسلامی حق خواندن روزنامه‌های حکومتش را هم نداشته است که در آن هر روز اسامی دهها تن از اعدام شدگان را برای ایجاد رعب در میان مردم اعلام میکردند و عریبه کشی میکردند؟ واقعا شرم آور است. جناب موسوی این یک بازی نیست. مساله مرگ و قتل هزاران نفر است که امروز میتوانستند و میبایست زنده میبودند اما جایشان با درد و اندوه پر شده است. هزاران نفر که تک تک شان برای همه مردم عزیزند. با این بازی‌های مضمنز کننده نمیشود آنرا زیر فرش کرد.

تازه کشتارهای سال ۶۷ تمام جنایات این حکومت در دوره شما نیست. کشتارهای "انقلاب فرهنگی" را که شخص شما عضو و مسئول شورای انقلاب فرهنگیش بودید و بقول مصطفی معین که او هم از سرکردگان

موضوعات مهم دیگری هم ساکت بوده‌اند و هستند نیز اینجا موضوع بحث نیست. بلکه این قابل توجه و بسیار قابل تعمق است که آدمهایی که خودرا کمونیست و آزادیخواه و رادیکال و انقلابی و کارگری و امثال اینها میدانند چگونه خود را قانع میکنند که در مورد مساله‌ای این چنین انسانی، اینچنین سیاسی، و در عین حال اینچنین داغ و موضوع بحث در دنیا سکوت کنند و بی حرکت بنشینند و نظاره‌گر خاموش ماجرا باشند؟ این سوالی است که امروز خواه نا خواه روی میز همه جریانها سیاسی قرار دارد و نمیشود از آن طفره رفت. شخصا امیدوارم که طرح این سوال بطور علنی باعث شود که این دوستان بهرحال فکری اساسی به حال این موقعیت خویش بکنند.\*

## از صفحه ۱

این جنایت بود شما آقای موسوی عبارت "انقلاب فرهنگی" را برای این جنایت سازمان یافته و گسترده پیشنهاد کردید چه میگویید؟ "بازگشت به دوره خمینی" که تماما مملو از این جنایات بود و در راس همه این جنایات همین شخص خمینی قرار داشت و شعار امروزتان است را چه خاکی میخواهید به سرش بکنید؟ بگذارید اینجا به همه دست اندرکاران امروز و دیروز حکومت اتمام حجت کنیم که "قتل عام ۶۷" دست از سر این حکومت بر نمیدارد. این کشتار فجیع و بیرحمانه به دستور خمینی صورت گرفت. و سبب و شاخص تمام جنایات سی ساله حکومت است. بسیاری از پدران و مادران و بستگان اعدام شدگان متاسفانه تاب این جنایت را نیاوردند و از غم و رنج سکنه کردند و جان باختند و نیستند تا انقلاب و سرنگونی این حکومت و محاکمه جنایتکاران را ببینند. اما آن قربانیان عزیزان همه مردمند. و این پرونده تا سرنگونی حکومت جنایتکاران باز است. فشار آنرا روی همگی اعمال خواهد کرد. و اگر هرکدام عقل سلیمی برایشان مانده باشد، باید صریح و روشن و بی تحریف از این جنایات و حقایق پشت پرده این جنایت و تمام جنایاتی که در آن دست داشته‌اند سخن بگویند. و همین امروز سخن بگویند. "محذورات" را پیش کشیدن و بعد وقت به سراشیب افتادن حکومت دهان باز کردن از نظر مردم قابل قبول نیست.\*

## بازتاب هفته

### ابعاد عظیم چپاول حکومتی ها



محمد شکوهی

کشیده توسط شهرام جزایری به دولت برگردانده شد

\* دیوان محاسبات اداری رژیم ورودی و خروجی حساب صندوق ذخیره ارزی معماست!

\* مسئول حساب ذخیره ارزی رژیم، صندوق ذخیره ارزی خالی است.

\* جهانگیری وزیر سابق اقتصاد و دارایی: فساد مالی مسئولان و واریزهای بدون رسید و مرجع و منبع از ذخیره ارزی کشور ابعاد نجومی به خود گرفته

\* الیاس ناداران: رحیمی معاون اول احمدی نژاد در راس هرم مفسدین مالی است!

\* ۶۰۰ میلیارد تومان سرمایه " سرگردان دولتی ها" در بندرجایی

\* محمد خاتمی ۴۰۰ میلیارد دلار چه شد؟

و .....

این حقایقی است که در رسانه های حکومتی و از لابلای جنگ و دعوای باندهای دولتی و بنگاههای عظیم مالی و اقتصادی کل رژیم به بیرون درز کرده است. با احتساب این آمار و ارقام دولت احمدی نژاد و باندهای وابسته به مقامات حکومتی و خارج حکومت در

۵ سال گذشته صدها میلیارد دلار به اشکال مختلف زده شده اند. دولت در راس همه دم و دستگاه دزدی رژیم قرار دارد. بر اساس اعترافات مقامات

حکومتی دولت رسماً تبدیل به باند مافیای چپاول سازمان یافته و

حکومتی شده است. دزدیهای باند های دیگر حکومت و خارج حکومت و دار و دست های وابسته به باندهای رفسنجانی و موسسات "غیر وابسته به

حکومت" هم که جای خود را دارد. دولت احمدی نژاد در تلاش برای "رفع ابهام" از دزدیهایش و برای ساکت نگه داشتن باندهای خارج حکومت بودجه

هزینه های "امنیتی و دفاعی" رژیم را به رخ طرف مقابل می کشد. دردعوای بین مجلسی ها، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام پیرامون موجودی ذخیره ارزی و برداشت های "غیر قانونی" دولت برای

هزینه های "پیش بینی نشده نظام" از این صندوق، خامنه ای پشت احمدی نژاد را گرفته و رسماً اعلام کرده است که دولت اجازه و حق برداشت از صندوق

ذخیره ارزی را داشته و سایر ارگانها باید خودشان را با دولت "تطبیق" بدهند. حمایت خامنه ای دست باندها و مافیای دولت را در دزدی های افسانه ای باز گذاشته و این باندها فقط و فقط به خامنه ای پاسخگو می باشند. در این میان دولت برای آرام کردن مخالفانش در درون حکومت، فقط يك رقم از هزینه هایش را اعلام کرده است و آن هزینه دم و دستگاه سرکوبگر و نیروهای نظامی اش است، که به گفته سخنگوی دولت حتی "رسید" هم دارند! افزایش مجموع بودجه نهادهای نظامی از ۱۱۲۵۰ میلیارد تومان در سال ۸۸ به ۱۴۷۵۳ میلیارد تومان در سال ۸۹.

برای بقیه بودجه بندی های مورد ادعای دولت در عرصه های اقتصادی اجتماعی، بهداشت، آموزش و درمان، مدارس و تامین اجتماعی

و ... هنوز هیچ گزارش از منبع اختصاص بودجه و ارز مورد نیاز این بخش ها و نحوه و چگونگی تامین منابع اعتباری آن ارائه نشده است.

معنای این سیاست یعنی زدن تمام و کمال بودجه این عرصه و اختصاص بودجه های ادعایی اختصاص داده شده به این عرصه به "اولویتهای امنیتی و

نظامی نظام" می باشد. در کنار این دزدیهای هزاران میلیاردی، دولت احمدی نژاد برای راست وریست کردن

قرض دولتش به ارگانها و شرکت ها و برخی سازمانهای دولتی اقدام به واگذاری شرکت ها و صنایع به این

موسسات در ازای پرداخت قرض خود کرده است. نمونه برجسته آن موضوع سازمان تامین اجتماعی می باشد.

سازمان تامین اجتماعی که به گفته رژیم یکی از بزرگترین سازمانهای مالی کشور می باشد که دولت به آن

مقروض می باشد. دولت هفته گذشته اعلام کرد که در ازای این قرض، شرکت هواپیمایی و بخشی از مخابرات

را به این سازمان واگذار کرده است. در راس این کنسرن مالی دولت صادق محصولی مرد ۶۰۰ میلیاردی رژیم

قرار دارد. حکومت دزدان و قاتلان مردم و در راس همه آنها خامنه ای و احمدی نژاد با همدستی باندهای مافیای اقتصادی و مالی مورد حمایت رژیم رسماً و علناً دزدی و چپاول و غارت جامعه ایران را در تمامی ابعاد سازمان داده و رهبری می کنند. در کنار این دزدی فقر و بیکاری،

سرکوب و اعداد، عدم پرداخت دستمزدهای کارگران و کارکنان جامعه، زدن از چندرغاز امکانات رفاهی موجود برای مردم، تحمیل فقر و گرانی و بی مسکنی به مردم را سازمان داده و به پیش می برند. مسئله فقط دزدی های هزاران میلیاردی جانبان اسلامی نیست. اینها دارند جامعه ۷۰ میلیونی را با انواع و اقسام سیاست های ضد انسانی به مرگ تدریجی محکوم کرده و حاصل دسترنج مردم را دزدیده و تباهی و فلاکت را بر کرده مردم تحمیل می کنند. باید حکومت دزدان و قاتلان را هر چه زودتر به زیر کشید.\*

### آشوب و بلوا در صفوف حکومتیان

#### یاشار سهندی

احمد جنتی بار دیگر "اثر" خودش را نشان داد. او با اظهار اینکه "سران فتنه" يك میلیارد دلار از امریکا از طریق عربستان دریافت کرده اند و

وعده پنجاه میلیارد دلار دیگر هم دریافت داشتند داد کروی و موسوی و خاتمی را در آورد. اینها تازه یادشان

آمده که این اتهام سخیفی است که نباید بدون مدرک به کسی زد. دریافت پول از "کشورهای بیگانه" بخصوص "صهیونیسم کافر" پیش پافشاری ترین

اتهام در جمهوری اسلامی است. اینبار اما این اتهام متوجه "کارگزاران" سابق خود رژیم شده است.

کروی و موسوی و خاتمی خواستار اثبات این اتهام در دادگاه شدند و "اندیشه جنتی" را اندیشه فاجعه

کهریزک و زندانیان سیاسی و حمله به کوی دانشگاه معرفی کردند. از سوی دیگر علی لاریجانی بیشتر از پیش

جلوی احمدی نژاد درآمد است. در مورد قوانینی که در مجلس وضع کرده اند و احمدی نژاد حاضر به اجرای آن نیست "ابلاغیه" صادر کرده است.

هاشمی رفسنجانی از "خاطرات تلخ" خود گفته است و اشاره کرده است که حوادث یکساله گذشته را تلخ ترین

حوادث شمرده و هشدار داده است که "تصمیمات و اقدامات غیرعاقلانه" برخی ( منظور دارو دسته احمدی نژاد

است) نظام را به خطر می اندازند. احمدی نژاد بعد از اینکه در همدان با "ترقه شادی" مواجه شد که گویا از شوق بوده و چیزی نموده بوده که از سر

شوق زیادی سر احمدی نژاد بر باد رود، با اشاره به خوراندن جام زهر به خمینی و پذیرفتن قعظنامه سازمان ملل و پایان جنگ ایران و عراق که برای ایشان موهبت الهی بود مخالفینش را در دم و دستگاه حکومت تهدید به خوراندن جام زهر میکند او میگوید:

اگر ۱۰۰ تا هم از جام زهر پر کرده باشید ملت با دست خود و با تبعیت از رهبری در کام منافقین فرو می کند. ملت از شما عبور کرده است. شما هم چیزی نیستید. "امیر محبیان از "کارشناسان اصولگرا" میگوید: "اصولگرایی معضل نظام شده است" قالیباف دارو دسته احمدی

نژاد را دعوت میکند که فتوای خامنه ای را گردن بگذارد و التزام عملی خود را به "آقا" نشان دهد. چند تا آیت الله

کذایی هم فتوا دادند که نظر ولی فقیه در مسایل سیاسی حجت خداوندی است. مسلم است که اینها را برای

مردم نمی گویند چون یکسال است که این مردم گفته اند "مرگ بر اصل ولایت فقیه". اینها همه گوشه ای از

جنگی است که هاشمی هشدار میدهد نباید جلو چشم مردم اتفاق افتد که

آجر روی آجر بند نخواهد شد، اما تلاش امثال رفسنجانی که سعی میکنند جماعت در خفا یکدیگر را

گاز بگیرند دیگر کارساز نیست. نه اینکه هنوز تمایل نداشته باشند در خفا

مسایل شان را "حل و فصل" کنند بلکه سر رشته کار از دست همه شان

در رفته است. فرمانده سپاه پاسداران هفته گذشته اشاره کرده بود که

توانسته بطور "فیزیکی" مخالفین آقا و احمدی نژاد را در سپاه ساکت کند و آنها را شفاها اقناع کرده اند! و همین

نشان میدهد که چه آشفتگی ای در صفوف "بچه های سپاه" حاکم شده است. از سوی دیگر در فضای يك جنبش جهانی میلیونی علیه حکم سنگسار سکینه محمدی در يك اقدام

جالب توجه، رئیس جمهور برزیل خواستار آزادی سکینه و پناهنده شدن او به برزیل میشود. باید توجه داشت که برزیل در جریان قعظنامه تحریم شورای امنیت طرف جمهوری اسلامی را گرفته بود. محمد مصطفایی و کیل سکینه آشتیانی موفق میشود با وجود گروگان گرفته شدن همسر و برادرش خودش را به ترکیه برساند و تقاضای پناهندگی از سازمان ملل

## بازتاب هفته

### پشت ماجرای کشاکش طرفداران تیم تراکتور سازی و پرسپولیس

امیر تابش

یک اتفاق قابل توجه در هفته گذشته بالا گرفتن تب بعد از فوتبال و کشاکش دو طرف بازیگر تیم فوتبال تراکتور سازی تبریز با پرسپولیس تهران بود. قضیه از این قرار بود که تماشاچیان طرفدار تیم پرسپولیس، شروع به شعار دادن علیه احمدی نژاد میکنند، در مقابل در قسمت تماشاگران تراکتورسازی عده ای شروع

به شعار دادن علیه "فارس" میکنند. شعار دادن علیه "فارس" همان و او جگری فحاشی و پرتاب کردن توهین های ناسیونالیستی و متسهجن علیه "ترك" و علیه تیم تراکتور سازی همان. با این فضایی که ناسیونالیستهای دو طرف راه انداختند شعارهای ضد حکومتی جوانان علیه حکومت هم حاشیه ای و ساکت شد! بدین ترتیب فضای بعد از فوتبال که در این یکی دو ساله بویژه همواره فضای اعتراض جوانان علیه رژیم بود، با رنگ قومی دادن به آن، عملاً اعتراض جوانان علیه حکومت به حاشیه میروید. این صحنه آرایی آنچنان روشن و آشکار بود که

### فوتبال و ناسیونالیسم و سرنگونی طلبی

امید بهرامی

شعارهایی علیه احمدی نژاد از جانب طرفداران پرسپولیس داده شد اما از میان هواداران تراکتور سازی بجای اینکه با این شعارها همراهی کنند شماری از ناسیونالیستها شروع به شعار های ضد فارس کردند و همین به کسانی از آن طرف نیز امکان داد که علیه ترکها شعار بدهند و شعار ضد حکومتی کنار برود. فدراسیون فوتبال ایران هر دو تیم را جریمه کرد و در نتیجه تیم تراکتور سازی محکوم به انجام دوبازی بدون تماشاگر شد. گفته میشود که عناصری از نفوذی های رژیم ( از طریق فدراسیون فوتبال ) در وجود آوردن چنین وضعیتی دخیل بوده اند. بعبارت دیگر رژیم برای منحرف کردن مسیر واقعی اعتراضات ضد حکومتی، تلاش دارد با پیش کشیدن پای این جنبش (جنبش ناسیونالیستی) به وسط مبارزه، دست به انحراف مبارزه مردم از مسیر واقعی و درست آن بزند. در ادامه رویدادهای ورزشگاه آزادی تهران، روز یکشنبه ۱۰ مرداد در تبریز، تعدادی از دوستداران فوتبال و طرفداران تیم تراکتورسازی در حمایت از تیم محبوب

مردم دارند از دست داشتن خود حکومت در دامن زدن به این فضا سخن میگویند. واقعا هم اگر کسی بخواهد خاصیت ناسیونالیسم را بفهمد در این جا مستقیماً میشود آنرا شاهد بود. که بجای تظاهرات و شعار دادن ضد حکومت که حتی لشکرکشی حکومت هم در این سالها نتوانسته بود آنرا ساکت کند، ناسیونالیسم براحته تفرقه و کشاکش بین جوانان را جانفشین کرد و رژیم را نجات داد. همین حقیقت ساده و روشن آیا نباید هرکسی را بفکر بیندازد و از ناسیونالیسم و تفرقه قومی و ملی بیزاز کند؟ فدراسیون فوتبال این ماجرا را بهانه کرده و هر دو تیم را جریمه کرده و در نتیجه تیم تراکتور سازی به انجام دوبازی بدون تماشاگر محکوم میشود. این موضوع برای تیم

خودشان (همزمان با بازی تراکتور سازی - راه آهن شهری که به نفع تیم تبریزی نیز در جریان بود ) در مقابل ساختمان استانداری تبریز و خیابانهای اطراف آن دست به تظاهرات زده و برای تحت فشار قرار دادن مقامات و با قصد درخواست تخفیف این تحریم تجمع کرده و شعار هائی علیه خامنه ای و رژیم سر دادند. در این تجمع اعتراضی تعداد ۱۰ نفر از معترضین دستگیر شدند و تجمع کنندگان بشدت از سوی نیروهای ضد شورش مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در همین ساعات، مراکز حساس شهر تبریز نیز از سوی نیروهای ضد شورش به کنترل در آمد و برای ساعتی برخی مناطق حالت اضطراری بخود گرفت. روشن است که علت اصلی شعار دادن های مردم خشمگین علیه رژیم را باید ناشی از اوضاع و احوال موجود و در بطن شرایط بغایت حساس سیاسی جامعه ایران دید و بررسی کرد. جامعه ایران از ۱۴ ماه قبل در شرایطی انقلابی قرار داشته و مردم خشمگین از ۳۱ سال سلطه رژیم جنایتکار اسلامی سرمایه در سطح میلیونی به خیابانها ریخته و حکم به رفتن این رژیم داده اند. مردم از فشار اقتصادی - سیاسی و

تراکتور سازی که هر بار هزاران تماشاچی دارد، گران تمام شده و قضیه به کشاکش های گسترده تر در روز ۱۰ مرداد در شهر تبریز کشیده میشود. به این ترتیب که همزمان با بازی تراکتور سازی با راه آهن شهری، تماشاچیان طرفدار تراکتور سازی در مقابل ساختمان استانداری تبریز و خیابانهای اطراف آن دست به تظاهرات میزنند. اما جوانان این بار هوشیاری شان را حفظ میکنند و شعارها علیه خامنه ای و رژیم بالا میگیرد. بدین ترتیب، موضوع دیگر از دست جریانات قوم گرا خارج شده و به اعتراض جوانان و مردم با حکومت تبدیل میشود. مردمی که از گرسنگی و فقر و بدبختی به امان آمده اند. بطوریکه ۱۰ نفر از معترضین دستگیر میشوند و تجمع

اجتماعی به ستوه آمده اند و جنبش ناسیونالیستی در چنین شرایطی از حربه فوتبال استفاده میکند و تلاش دارد تمایلات ناسیونالیستی را در قالب حمایت از تیم تراکتور سازی دامن بزند و تفرقه افکنی کند. اما امروزه تمایلات ناسیونالیستی بی ربط به اوضاع و احوال حال حاضر جامعه ایران و آذربایجان است. امروز کارگر آذری در سراسر ایران مورد استثمار قرار میگیرد و سرمایه دارهای آذری نیز متقابلاً برای کسب سود و انباشت سرمایه خود، کارگران منتسب به فارس و لر و کرد و آذری را در سرتاسر ایران مورد استثمار قرار میدهند. بنابراین در این میان دیگر کارگر آذری و ایرانی برایش هویت ملی مفهوم پیدا نمیکند، چرا که با گوشت و پوست و استخوان سرمایه و نظام سرمایه داری را به عنوان دشمن خود حس کرده و میبینند و درک میکنند... طرفدار تیم فوتبال تراکتور سازی نیز برای تشویق بازیکنان فارس تیم اش ( در حدود ۵۰ در صد بازیکنان تیم تراکتورسازی را بازیکنان غیر آذری و به اصطلاح فارس تشکیل میدهند) بزبان فارسی تشویق میکنند و برای صحبت با مربی خرم

کنندگان بشدت از سوی نیروهای ضد شورش مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. رژیم که از هر تجمع اعتراضی مردم هراس دارد، برای اینکه در فضای اعتراضی جامعه کنترل از دستش خارج نشود، همه مراکز حساس شهر تبریز را برای ساعاتی تحت کنترل خود قرار میدهد. بدین ترتیب نگاهی به این خبر، حقایق بسیاری را در مقابل چشم ما قرار میدهد. و اولین و مهمترین درس آن اینست که ناسیونالیسم تنها خاصیتش تفرقه و جدایی انداختن میان مردم به نفع حاکمین و مفت خوران است و باید با جدیت آنرا منزوی کرد. و زنده باد جوانانی که با هوشیاری مانع این تفرقه افکنی در تبریز شدند. مرگ بر جمهوری اسلامی

ابادی تیم مورد علاقه اش نیز بزبان فارسی حرف میزند. نه تراکتور سازی تیم ترکها و یا آذری های تبریز و آذربایجان است، و نه در دنیای فوتبال حرفه ای، دیگر چه در سطح دنیا و چه در سطح ایران، هیچ تیم باشگاهی ای با هویت قومی و ملی تعریف میگردد. جدا از همه اینها جامعه ایران یک پارچه در تلاش به زیر کشیدن حکومت است. میخواهد حاکمیت این حکومت منحوس را از سراسر ایران به زیر بکشد. و این زمینه اتحادی اساسی میان مردم است. بنابراین ناسیونالیسم آذری نیز در استفاده از این ابزار پوسیده راه بجائی نخواهد برد. ناسیونالیسم طناب پوسیده ای است که هیچ کاربردی جز ایجاد تفرقه و در نهایت برادر کشی ندارد. تمایلات و خواسته های رادیکال، آزادخواهانه و برابری طلبانه مردم آذربایجان نیز اجازه نخواهد داد که جنبش ناسیونالیستی قادر به سو استفاده از پتانسیل انقلابی مردم آذربایجان بشود. این را آینده بیشتر ثابت خواهد کرد. زنده باد انترناسیونالیسم زنده باد حقوق برابر برای همه شهروندان ایرانی زنده باد انقلاب!\*

انقلاب درست است که الان در خیابان نیست اما حضور سنگین آنرا میشود در وحشت هرروزه و تشتت فزاینده در میان سرکردگان امروز و دیروز حکومت دید. انقلابی که اولین کارش اینست که آخوند و مذهب و دم و دستگاہ ارتجاع قرون وسطائی را برای همیشه به زباله دان تاریخ پرتاب کند.\*

یک خواننده ( محمد نوری) را مستمسکی قرار داده تا شاید مردم باور کنند این رژیم متمدنی است. در يك كلام شیرازه امور در بالای حکومت دارد از هم گسسته میشود و چسبی برای نگه داشتن آنها کنار یکدیگر پیدا نمیشود. و در همین حال عده ای هم از "فتنه دوم" دارند سخن میگویند که اسم رمز انقلاب علیه جمهوری اسلامی است. این

اسلامی میگردد و همزمان تعدادی از زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زده اند و خانواده ایشان در جلو دادستانی تجمع کرده اند. اینها همه موقعیت جمهوری اسلامی را نشان میدهد که هر روز بیشتر از پیش در تنگنا و رسوایی قرار میگردد. جمهوری اسلامی راه برون رفت از این موقعیت بسیار متزلزلش ندارد. این رژیم آنقدر زبون شده است که مرگ

از صفحه ۴

### آشوب و بلوا در ...

اسلامی از شیوه همیشگی اش با گروگان گرفتن خانواده او سعی دارد که او را ساکت کند. محمد رضا تاجیک در ملاقات با خانواده اش اشاره میکند که در جریان بازجویی "مورد هتک حرمت" قرار گرفته است این خبر بار دیگر جهان را متوجه فجایعی کرد که در زندانهای جمهوری

کند و همه میدانیم که در چند سال گذشته او وکیل برخی از قربانیان قوانین وحشیانه جمهوری اسلامی بخصوص کودکان محکوم به اعدام بوده است که حضور او در خارج از کشور میتواند بیش از پیش چهره کثیف دستگاہ قضایی جمهوری اسلامی را بر ملا کند و جمهوری



## تظاهرات در دفاع از زندانیان سیاسی شنبه ۷ آگوست ساعت ۲ بعدازظهر

جان ده ها زندانی سیاسی در خطر جدی است

- \* جعفر کاظمی در خطر اجرایی فوری حکم اعدام قرار دارد.
- \* محمدعلی صارمی، محمدعلی حاج آقایی، عبدالرضا قنبری، محسن و احمد دانشپور مقدم، به اعدام محکوم شده اند.
- \* زینب جلالی زاده یک زندانی سیاسی دیگر در معرض خطر است.
- \* جواد لاری که در پیرویه بازداشت بازاریان در شهریور ماه سال گذشته دستگیر شد محکوم به اعدام شده است.
- \* برزو نوزی، دانش آموز ۱۷ ساله و از بازداشت شدگان روز عاشورا، از سوی دادگاه ویژه اطفال، به دو سال حبس تعلیقی به مدت سه سال محکوم شد.
- \* بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کودک که در ۲۲ خرداد مورد ضرب و شتم قرار گرفت و دستگیر شد همچنان خبری نیست.
- \* کارگران دستگیر شده مهدی فراخی شاننیز، منصور اسانلو، رضاشهبان، ابراهیم مددی در زندان بسر برده و در بشدت تحت فشار میباشند.
- \* مجید توکلی و بهروز جاوید تهرانی از دانشجویان زندانی شناخته شده همچنان در زندان بسر میبرند.
- \* بیتا صمیمی زاد دانشجویی دانشگاه پلی تکنیک تهران به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم شد.
- \* معلمان زندانی هاشم خواستار، رسول بداقی، عبدالله مؤمنی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، محمد داوری، علیرضا هاشمی، حسین باستانی نژاد و قربان احمدی همچنان در زندان بسر میبرند.
- این لیست ادامه دارد . . . . .
- صدها زندانی سیاسی هر روزه تحت



## دو هفته است که از رضا شهبانی هیچ خبری نیست

رضا شهبانی باید فوراً از زندان آزاد شود

رضا شهبانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و از فعالین شناخته شده و سرشناس کارگری در ۲۲ خرداد دستگیر شده و هنوز در زندان است. رضا شهبانی در این مدت تنها سه بار و آنهم در حد احوالپرسی با خانواده خود تماس تلفنی داشته است و به گزارش سندیکای شرکت واحد در آخرین تماس از درد گردن و کمر ابراز ناراحتی کرده است و از آخرین تماس با او دو هفته ای میگذرد و از او خبری نیست. این موضوع موجب نگرانی خانواده و کارگران سندیکای

شکجه قرار داشته و جانشان در خطر جدی میباشد. زندانیان سیاسی و خانواده هایشان به کمک فوری شما نیاز دارند.

روز شنبه ۷ آگوست ۲۰۱۰ ساعت ۲ بعدازظهر در دفاع از زندانیان سیاسی یکصد در مراکز عمومی و میمادین شهر تجمع میکنیم، و هر چه رساتر صدای زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان میرسانیم و اعلام میکنیم:

احکام اعدام هر چه سریعتر ملغی باید گردد! زندانیان سیاسی فوری و بدون قید و شرط آزاد باید گردند!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۴ اوت ۲۰۱۰، ۱۶ مرداد ۱۳۸۹

Shahla\_Daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش:

00447852338334  
Bahram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

بخش های مختلف جامعه را به مبارزه ای گسترده برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان فرا میخواند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۳ مرداد ۱۳۸۸، ۴ اوت ۲۰۱۰ شهلا دانشفر: 00447779898968

مجموعه ای از مقالات منصور حکمت بصورت یک کتابچه تحت عنوان تاریخ شکست نخوردگان توسط انتشارات مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران منتشر شده است. خوانندگان عزیز را به تکثیر و توزیع هرچه وسیعتر این کتابچه ارزشمند فرا میخوانیم:

### تاریخ شکست نخوردگان



۱۰ نوشته از منصور حکمت

باز تکثیر از: انتشارات مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی فوری زندانیان سیاسی و تلاش برای جلب همبستگی جهانی کارگران و همه نهادهای انسان دوست و غیره و غیره همه و همه گامهای مهمی برای آزادی کارگران زندانی، رضا شهبانی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراخی شاننیز و همه زندانیان سیاسی از زندان است.

“کمپین برای آزادی کارگران زندانی” به کارگرانی که با اقدام جالب خود در حمایت از رضا شهبانی و با خواست آزادی او از زندان به پخش اطلاعیه در میان کارگران واحد دست زدند، درود میفرستد. (متن اطلاعیه و گزارش پخش اطلاعیه گروهی از کارگران شرکت واحد ضمیمه است).

با پیوستن هفده هزار کارگر شرکت واحد به این حرکت، بدون شک جنبش قدرتمندی شکل میگیرد که نه تنها رضا شهبانی، بلکه دیگر کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان آزاد خواهند شد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همه کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و جوانان و

## اطلاعیه شماره ۱۸: یک اقدام جالب

پخش اطلاعیه در حمایت از رضا شهبانی میان کارگران شرکت واحد مقابل احکام اعدام برای جعفر کاظمی و ۶ زندانی سیاسی دیگر که در تظاهرات اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی دستگیر شده اند، ایستاد.

صدر بیانیه و اطلاعیه در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، پر کردن در و دیوار از شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، پیوستن به جمع خانواده های زندانیان سیاسی که مرتباً در مقابل اوین تجمع دارند و هم اکنون ما شاهد اعتراضات گسترده تر در میان آنان در رابطه با تشدید فشارها بر روی زندانیان سیاسی و حمایت از اعتراضات زندانیان به این فشارها هستیم، اعلام اعتصابات اختطاری با خواست آزادی فوری کارگران زندانی و دادن نامه اعتراضی مشترک تشکل های مختلفی که به همت خود کارگران شکل گرفته است و یا دیگر تشکلهای شکل گرفته در عرصه های مختلف اعتراضی مردم با خواست

پخش اقدام جالب حمایتی از سوی گروهی از کارگران شرکت واحد، پخش اطلاعیه در میان کارگران واحد در حمایت از یکی از رهبران محبوب زندانی خود، رضا شهبانی از زندان است. این کارگران در اطلاعیه خود دستگیری و زندانی بودن رضا شهبانی را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری او از زندان شده اند. این اقدام حمایتی با استقبال خوبی در میان کارگران روبرو شده است. اقدام مهمی که میتوان آنرا الگو قرار داد و به حرکتی گسترده در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تبدیل کرد.

اکنون سه کارگر شرکت واحد رضا شهبانی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی در زندانند. میشود در ادامه این حرکت بیانیه داد و خواهان آزادی این کارگران و نیز بهنام ابراهیم زاده و مهدی شاننیز فراهانی دو فعال دیگر کارگری و همه زندانیان سیاسی از زندان شد. میشود بیانیه داد و در

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



سازمان دهند. ما در اطلاعیه های بعدی و از طریق این سایتها لیست شهرهایی که آماده برگزاری تظاهرات هستند و به آن می پیوندند را اعلام خواهیم کرد.

همه اتحادیه ها و تشکل های کارگری، تشکل های حقوق زنان، سازمان عفو بین الملل و همه سازمانهای مترقی و مدافع حقوق انسانی را دعوت میکنیم تا در این مبارزه و برای عقب راندن جمهوری اسلامی با ما همراه شوند. سخنران به اجتماعات ۲۸ اوت بفرستند و اعضا و فعالین و امکانات خود را برای انجام هرچه بهتر این کمپین بسیج کنند. از تمامی شهرداری ها، شوراهای محلی، پارلمانها و نمایندگان مجالس سراسر جهان دعوت میکنیم تا به کمپین شهروندان جهان علیه

## ۲۸ اوت ۲۰۱۰ صد شهر جهان علیه سنگسار!

کارزار نجات سکینه از سنگسار توجه جهانیان را به این جنایت قرون وسطایی جلب کرده است. امروز نام سکینه برای میلیونها انسان در سراسر دنیا نامی آشنا است و صدها هزار نفر با امضای طومارهای اعتراضی مخالف خود را با این جنایت وحشیانه اعلام کرده اند. این حرکت میلیونی باید سازمان پیدا کند و اعتراض خود را به خیابانها بکشد! ما به این منظور روز ۲۸ اوت را بعنوان روز آکسیون بزرگ "صد شهر جهان علیه سنگسار" اعلام میکنیم و از همه مردم جهان میخواهیم تا در این روز در اعتراض به جنایت قرون وسطایی سنگسار و

کمپین "صد شهر جهان علیه سنگسار" را کارزار متعلق به خود بدانند و با ابتکارات و اقدامات خود اعتراض علیه سنگسار و رژیم اسلامی سنگسار را ابعادی هرچه ایران سولیدارتی میشن فری ایران کمیته بین المللی علیه سنگسار کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۰۱۰ اوت ۵

سنگسار پیبوندند و با صدور قطعنامه ها و بیانیه ها به رژیم سنگسار در ایران اعتراض کنند همه رسانه های جهان را دعوت میکنیم تا در پخش اخبار پیشروی کمپین "صد شهر جهان علیه سنگسار" ما را یاری رسانند. از تمام ایرانیان ساکن خارج کشور و همه جریانات اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین رسانه های فارسی زبان دعوت میکنیم تا

### فراخوان به مردم جهان: سه شنبه ۱۰ اوت ۲۰۱۰ برای نجات سکینه محمدی آشتیانی بخیبانها بیاید!

اعدام سکینه جدی است. روز سه شنبه برای نجات جان سکینه بخیبانها بیائیم و اجازه ندهیم فرد بیگناه دیگری بوسیله جانان حاکم بر ایران قربانی شود. ایران سولیدارتی میشن فری ایران کمیته بین المللی علیه سنگسار کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۰۱۰ اوت ۵

همزمان دستکم در صد شهر جهان علیه مجازات سنگسار و در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی است. تاریخ و جزئیات آکسیون بزرگ "صد شهر جهان علیه سنگسار" در اطلاعیه جداگانه ای اعلام خواهد شد. تظاهرات روز سه شنبه يك اقدام عاجل برای ممانعت از اعدام سکینه و همچنین اولین گام به سوی اعتراض صدشهر علیه سنگسار است. خطر

از اعدام سکینه همه مردم شریف دنیا را فرا میخوانیم که در روز سه شنبه ۱۰ اوت ۲۰۱۰ هر کجای جهان که هستید برای نجات جان سکینه در میادین و مراکز اصلی شهرها تجمع و تظاهرات کنید. ما به این حرکت اعتراضی تا آزادی سکینه و لغو قانونی مجازات سنگسار در ایران ادامه خواهیم داد. گام بعدی ما سازماندهی اعتراض

مرتضوی، قاضی زندان مخوف کهریزک، جانی بالفطره ای است که قتل زهرا کاظمی و بسیاری دیگر را در کارنامه خود دارد. با سپردن پرونده به کسی چون مرتضوی رژیم اسلامی ایران به میلیونها شهروند جهان که برای نجات سکینه بپا خاسته اند اعلام میکند قصد کشتن او را دارد. ما این اعلان جنگ را جدی میگیریم و بعنوان يك اقدام فوری برای جلوگیری

جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض جهانی از اجرای حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی عقب نشست اما اکنون قصد دارد او را از طریق اعدام به قتل برساند! رژیم اسلامی حتی پیشنهاد دوست خود رئیس جمهور برزیل مبنی بر دادن پناهندگی سیاسی به سکینه را رد کرد. در عوض سعید مرتضوی را مامور رسیدگی پرونده سکینه کرد.

### جان جعفر کاظمی و دهها زندانی سیاسی دیگر در معرض خطر جدی است.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، جعفر کاظمی زندان سیاسی شناخته شده را به اتهام واهی

جعفر کاظمی و صدها زندانی سیاسی دیگر بدون درنگ باید از زندان آزاد گردند، به آغوش خانواده خود برگردند و تحت مراقبتهای پزشکی ویژه قرار گیرند.

اعتراض اعلام میکند که سه ماه قبل از حوادث عاشورا دستگیر گردیده است، بابت چه چیزی باید اعتراف و مصاحبه کند؟! این در حالی است که وی چهار ماه پیش از آن تاریخ و در ۲۸ شهریور ماه دستگیر شده بود

محمدرضا علی زمانی، به دار آویخته شدند درحالیکه مدتها پیش از تظاهراتهای اخیر دستگیر و زندانی گردیده بودند.

اعدام تایید شد. وکلا نسبت به رای صادر شده اعتراض کردند و در نتیجه پرونده به شعبه ۳۱ دیوان ارجاع شد اما این شعبه درخواست اعاده دادرسی را رد کرد.

جعفر کاظمی چهل و شش ساله، از زندانیان سیاسی سابق است که در دهه ۱۳۶۰ به جرم هواداری از سازمان مجاهدین خلق ۱۰ سال از بهترین سالهای عمر خود را در زندان گذراند و در سال ۱۳۷۰ آزاد شد.

سیاسی ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده های زندانیان سیاسی، ضمن تلاش بی وقفه برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی از عموم مردم آزاد یخواه و شرافتمند می خواهد تا با تجمع در مقابل زندانها و بیدادگاههای جمهوری اسلامی با فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد، خواهان آزادی فوری فرزندان خود گردند.

کازمی در تماس با رسانه های خارج کشوری ضمن استمداد از عموم مردم، مراجع حقوق بشری و کمیساریای عالی حقوق بشر می خواهد تا صدای او و سایر خانواده های زندانیان سیاسی را به اطلاع جهانیان برسانند. وی اعلام میدارد که فرزند کوچک این خانواده به سبب فشارهای اخیر دچار وضعیت روانی نگران کننده ای گردیده است.

بعد از دستگیری جعفر کاظمی، مامورین وزارت اطلاعات برای تفتیش بمنزل مادر وی یورش میبرند، در آنجا چیزی نمی یابند، سپس به منزل شخصی خود وی حمله می برند همه جا را بهم می ریزند چیزی نمی یابند، سپس جعفر کاظمی را به زندان اوین منتقل مینمایند.

عباس جعفری دولت آبادی، دادستان جنایتکار تهران در اردیبهشت ماه امسال، اعلام داشت که شش تن از متهمان به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین محکوم به اعدام شده اند. نام جعفر کاظمی نیز در میان اسامی اعلام شده قرار داشت. وی در آن هنگام اعلام نمود که برای محمدعلی صارمی، جعفر کاظمی و محمدعلی حاج آقایی، عبدالرضا قنبری محسن و احمد و دانشپور مقدم، که پس از تظاهراتهای ۶ دی ماه (عاشورا) بازداشت شده اند، حکم اعدام صادر شده است. درحالیکه تمامی این افراد پیشتر از این دستگیر گردیده بودند.

جعفر کاظمی در ۲۸ شهریورماه ۱۳۸۸ ساعت شش صبح در میدان هفت حوض نارمک در حالیکه به سمت منزلش میرفت توسط ماموران وزارت اطلاعات به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین دستگیر شد. در زندان و در جریان بازجویی بشدت تحت فشار و آزار قرار گرفت. در یازدهم بهمن ماه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب محاکمه شد. دادگاه بدوی به ریاست جانبان شناخته شده ای مانند مقیسه ای و زرگر که دستشان به خون صدها زندان سیاسی آغشته است، وی را محکوم به اعدام کردند! پس از اعتراض، این پرونده در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران رسیدگی گردید و بار دیگر حکم

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، ۱ اوت ۲۰۱۰ - ۱۰ مرداد ۱۳۸۹ کلیه زندانیان سیاسی بی قید و شرط و بیدرنگ باید آزاد گردند!

جمهوری اسلامی از سر استیصال و درماندگی به هر جنایتی روی می آورد تا چند صباحی به عمر ننگین خود بیافزاید.

در زندان و ضمن بازجویی های وحشیانه و رفتار غیر انسانی وی را شدیداً تحت فشار قرار می دهند بطوری طی بازجویی ها و اعتراف گیری های عذاب آور و فشار برای انجام مصاحبه، سه تا از دندانهایش را خرد میکنند تا با مصاحبه تلویزیونی به شرکت خود در تظاهراتهای ششم دی ماه (عاشورا) اعتراف کند! او علیرغم فشارهای طاقت فرسا نمی پذیرد و در

[www.iransolidarity.org.uk](http://www.iransolidarity.org.uk)

[www.missionfreiran.com](http://www.missionfreiran.com)

<http://stopstonningnow.com>

<http://notonemoreexecution.org/>

## یک تقلاي شکست خورده: همایش ایرانیان خارج از کشور!

بهر روز مهر آبادی

به هر کاری می دهند.

میزان در بین ایرانیان خارج کشور منفور است و تلاش می کند بتواند با ایجاد نهادهایی در خارج کشور طرفدارانی بیابد و آنها را سازمان دهد. این طرفداران جدید کسانی بجز ایرانیان سرمایه دار مقیم خارج نیستند. رژیم برای جلب توجه این عده تلاش کرد که تمایلات ناسیونالیستی این گروه را باد بزند و به آن تمکین کند. در برگزاری این نمایش ترانه "وطن" همراه با دف نوازی دختران، خوانده شد که موجب غیرتی شدن دو نفر از آخوندهای حاضر در محل گردید که بی سر و صدا آنجا را ترک کردند. اجرای برنامه شاهنامه خوانی از دیگر صحنه های این مراسم بود. در مقابل محل برگزاری این اجتماع یعنی سالن مجللی که برای برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی ساخته شده، مجسمه های دوران هخامنشی نصب گردیده بود. از فرنگ آمدگان هر چند که اخلاص خود را به حکومت اسلامی اعلام کرده بودند ولی آداب آن از خاطرشان رفته بود و برای شادی "مرحومین" بجای صلوات فرستادن، کف مفصل زدند و صدای رئیس جمهور و معاونانش در

این نمایش از روز دوشنبه ۱۱ مرداد به مدت دو روز با هزینه زیاد برگزار شد. تمام هزینه رفت و آمد، هتل و هزینه های جاری شرکت کنندگان و همراهان آنها توسط دولت پرداخت شد. هر کدام از شرکت کنندگان می توانست چهار نفر همراه داشته باشد. فقط هزینه تبلیغات این پروژه بیش از سه میلیارد تومان اعلام شد و کل هزینه آن نزدیک به صد میلیارد تومان برآورد می شود. این حرکت از سوی جناح دیگر حکومت مورد انتقاد قرار گرفت. شریعتمداری در روزنامه کیهان به حضور تعدادی از سرمایه داران سلطنت طلب از جمله هوشنگ امیراحمدی در این تجمع اعتراض کرد. و روز قبل از برگزاری این نمایش پوسترها و بنرهای تبلیغاتی آن توسط شهرداری جمع آوری شد. هزینه گرافی که رژیم برای برگزاری این نمایش صرف کرد و همچنین شرکت احمدی نژاد، رئیس دفتر و بعضی از وزرایش در این اجتماع دلیل اهمیتی است که این پروژه برای رژیم دارد. رژیم بخوبی می داند که تا چه

در سالهای اخیر روند انزوی جمهوری اسلامی در دنیا شدت پیدا کرده و مبارزه ایرانیان خارج کشور بر علیه این رژیم بسیار گسترده تر شده و توجه همه جهانیان را بخود جلب کرده. از طرف دیگر مردم ایران حمایت وسیع مردم جهان را از مبارزات خود دریافته اند و این در تعمیم و گسترش اعتراضات مردم تاثیر ویژه ای داشته است. این وضعیت حکومت اسلامی را به دست و پا انداخته است. برگزاری نمایش تحت عنوان "همایش ایرانیان مقیم خارج" در تهران از جمله اقداماتی بود که رژیم اسلامی انجام داد تا مبارزات ایرانیان خارج کشور را کم رنگ جلوه دهد. این تجمع از چند ماه قبل با هزینه بسیار زیاد تدارک دیده شد. تعداد شرکت کنندگان در این اجتماع ۱۲۰۰ نفر اعلام شد ولی گزارش ها و تصاویر منتشر شده تعداد واقعی را بسیار کمتر از این نشان می دهد. بسیاری از این عده عوامل رژیم در خارج از کشور، بستگان نزدیک سران رژیم و با تجار و سرمایه دارانی بودند که برای کسب منافع و سود بیشتر تن

نیامد. در مراسم اختتامیه اسفندیار رحیم مشائی رئیس دفتر محمود احمدی نژاد با خضوع تمام پرچم سه رنگ را بوسید و اعلام نمود که "مکتب ایران بجای مکتب اسلام باید در دنیا معرفی شود". در این اجتماع يك نهاد مالی بنام "صندوق سرمایه گذاری ایرانیان خارج کشور" تاسیس شد و در مورد طرح تاسیس خانه های ایرانیان صحبت شد. بعید نیست که قفلک دادن رگ های ناسیونالیستی حاضرین در این نمایش موثر واقع شود و بعضی از سرمایه گذاران جدیدالورود اقدام به جمع بساز و بفروش های قدیمی بیبوندند و یا افراد تازه ای به جمع دلال های رژیم برای انجام معاملات زیرزمینی و عملیات پولشویی در خارج از ایران اضافه گردند تا در چپاولگری و غارتگری آیت اله های میلیاردر شریک شوند. ولی این کمکی به کم کردن نفرت مردم دنیا از رژیم جهل و جنایت اسلامی و با کاهش اعتراضات و مبارزات ایرانیان خارج کشور بر علیه جمهوری اسلامی نمی کند. جمهوری اسلامی هیچ اعتباری در مجامع بین المللی ندارد و روز بروز منزوی تر می شود. تعدادی از

دست اندرکاران رژیم بخاطر تحریم های اعمال شده از طرف سازمان ملل به بسیاری از کشورهای دنیا ممنوع الورد شده اند. خواست بستن سفارتخانه ها و نمایندگی های رژیم روز بروز قویتر می شود. شکست پروژه رژیم اعلام شده است. ممکن است رژیم بتواند در شهرهای دور افتاده ای که ایرانیان مهاجر در آنجا تشکیل و تجمعی ندارند خانه های ایرانیان تشکیل دهد، آنها با حمایت پلیس و نیروهای مسلح و تروریست ها و محافظانی که با گذرنامه دیپلماتیک رفت و آمد می کنند. اما آرزوی تشکیل چنین محل هایی را در شهرهای مهم محل تجمع ایرانیان برایش محال است. هجوم به سفارتخانه های رژیم در استکهلم و فرانکفورت و آمستردام و سایر شهرهای خارج کشور نشان داد که مردم اجازه چنین کاری به رژیم نمی دهند. اوپاش و عوامل رژیم فقط با حمایت نیروهای تا دندان مسلح می توانند جرات کنند خود را در خارج کشور نشان دهند. تازه در داخل ایران هم وضعشان بهتر از این نیست.

## ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواسته های حداقلی و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK  
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.  
آلمان:

Post Bank  
Germany Rosa Mai 583657502 Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050  
Canada Dixie Rd, Mississauga 4900: Canada ICRC Scotiabank  
LAW 2R1 Account #: 84392 00269 13

هلند: Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا: G street, Blanine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch  
ph: 1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99  
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N  
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI  
Bank: NatWest branch: Wood Green NWBK GB 2L BIC:  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
از ایران: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



## جمهوری اسلامی به نور چشمی های خود هم رحم نمی کند

### بهروز مهر آبادی



نامه حمزه کرمی به خامنه ای گوشه دیگری از جنایات جمهوری اسلامی را بر ملا می کند. حمزه کرمی از نزدیکان هاشمی رفسنجانی و از مدیران دانشگاه آزاد و مدیر سایت جمهوریت بود. او به مدت ۶ سال مدیر کل دفتر سیاسی ریاست جمهوری در زمان هاشمی و رفسنجانی بود. بعد از اعتراضات وسیع مردم در خرداد سال قبل و دعوی جناحهای رژیم در ۲۹ خرداد ۸۸ بازداشت شد. در دادگاه اولیه به ۱۶ سال زندان و در دادگاه تجدید نظر

احمدی نژاد و بر علیه مهدی رفسنجانی اعتراف بگیرند. حمزه کرمی می نویسد که بازجویان بیست بار سر او را در توالیت پر از مدفوع فرو کردند تا توانستند او را وادار به امضای اعترافنامه کنند.

حمزه کرمی از خدمتگزاران حکومت اسلامی بوده است. او در سال ۶۰ مسئول حفاظت شخصیت ها و مقرهای استراتژیک بود و مدتی هم ریاست ستاد سپاه منطقه تهران را بعهده داشت. وقتی که رژیم این شکنجه ها را در مورد نورچشمی ها و نزدیکان خود اعمال می کند می توان تصور کند چه بلائی بر سر صدها هزار زندانی دیگر آورده است. افشای این نامه توسط بناند رفسنجانی نه بخاطر دلسوزی و نگرانی از شکنجه ها و کشتارهای

رایج در زندانهای جمهوری اسلامی است. هاشمی رفسنجانی در تلاش است تا پرونده ای که جناح مخالف برای پسرش مهدی تشکیل داده ببندد و او را از زیر ضرب خارج کند. رفسنجانی بهتر از هر کس می داند که خامنه ای دخالت مستقیم در شکنجه ها و کشتارها دارد. رفسنجانی نامه حمزه کرمی را شخصا تحویل خامنه ای می دهد و رسماً به او می گوید که به نمایندگان رهبر اعتماد ندارد و درخواست می کند که یک نماینده از طرف او قضیه را پیگیری کند که مورد قبول خامنه ای واقع نمی شود و محسنی اژه ای وزیر سابق اطلاعات را مأمور می کند که این قضیه را فیصله دهد.

سرنوشت حمزه کرمی پس از نوشتن این نامه معلوم نیست. او

براحتی می تواند یکی دیگر از قربانیان زد و بند و معاملات جناحهای رژیم شود. بلائی که بر سر سعید امامی و بسیاری دیگر از کارگزاران حکومت آمد باید درسی برای خدمتگزاران آن باشد. اما همین یک مورد و یک سند برای محکومیت رژیم کافی است. صدها هزار سند دیگر که در مورد جنایات رژیم افشا شده و نام میلیونها نفر انسانی که شکنجه های رژیم را متحمل شده اند، ابعاد جنایات عظیمی که حکومت اسلامی بر علیه بشریت انجام داده، افشا می کند. دور نیست تشکیل دادگاه هایی که این اسناد را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و عاملین این جنایات را به محاکمه بکشد. \*

## با مبارزه ای متحد و سراسری ...

از صفحه ۱۰

روبرو هستند. کارگران این کارخانه طی ماههای اخیر چندین تجمع اعتراضی برپا کرده و خواهان دستمزدهای معوقه خود شده اند. در قسمتی از این کارخانه که ۲۵۰ کارگر در آن به کار اشتغال دارند، کارگران ۵ ماه دستمزدها را طلب دارند و در وضعیت بلاتکلیفی قرار دارند و مدیران کارخانه به آنها میگویند: "پول نداریم که به شما بدهیم". کارخانه فضای اعتراضی دارد و کارگران مرتباً مطالبات خود را پیگیری میکنند.

### کارخانه قند بردسیر

روز ۱۳ مرداد جمعی از کارگران کارخانه قند بردسیر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود از ساعت ۸ صبح مقابل کارخانه تجمع کردند. کارگران بارها در مقابل استانداری کرمان، فرمانداری، دفتر امام جمعه، نماینده مجلس و مقابل دفتر احمدی نژاد تجمع کرده اند ولی پاسخ نگرفته و مرتباً سرداننده شده اند. اعتراض کارگران ادامه دارد.

از سوی دیگر هم اکنون تعدادی از کارخانجات به خاطر مساله قطع برق، به حالت تعطیل در آمده و کارگران آن با تهدید بیکاری و دستمزدهای معوقه روبرو هستند. در بسیاری از این کارخانجات اضافه کاری کارگران که اجباراً راهی برای کمک درآمد کارگران است، متوقف شده است. از جمله

اعلام کرده اند تا وقتی طلبهایشان پرداخت نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

### کارگران شهرداری اهواز:

کارگران شهرداری اهواز در مناطق مختلف از جمله منطقه ۳ و ۵ حقوق چند ماه گذشته خود را دریافت نکرده اند. به طور مشخص کارگران منطقه ۵ سه ماه حقوق طلب دارند. در هفته دوم مرداد این کارگران تجمع اعتراضی برپا کردند. شهرداری اعلام کرده است که ۷ میلیارد بدهی دارد و توان پرداخت حقوق کارگران را ندارد. کارگران اعلام کرده اند تا گرفتن تمام طلبهایشان به اعتراضات خود ادامه میدهند.

### کارخانه ارج (واقع در جاده مخصوص کرج):

روز ۱۰ مرداد کارگران کارخانه ارج در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود و علیه اخراجها در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. این تجمع اعتراضی با حمله نیروهای سرکوبگر روبرو شد و کارگران با آنها درگیر شدند. اعتراض این کارگران ادامه دارد.

### کارخانه صنایع فلزی

کارخانه صنایع فلزی یکی دیگر از کارخانجاتی است که کارگران آن با معضل دستمزدهای پرداخت نشده

میتوان کارخانه روغن مارگارین، صنوبر سوسز کاوه، کارخانه های صنعتی شرق، داروسازی حکیم، کارخانه "تولیدی تهران" و دهها کارخانه دیگر را نام برد. تحریم های اقتصادی و ساحت از جمله دلایل این وضعیت در کارخانجات اعلام شده است. این کارخانجات نیز به مرکز اعتراض هر روزه کارگران تبدیل شده است.

همه این اخبار و گزارشات نشان میدهد که مبارزه برای دستمزدهای پرداخت نشده، مبارزه ای هر روزه است. به این معنی که هر روز در هر شهر تعداد بسیاری از کارخانجات در اعتراض و مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند. این مبارزات را میتوان سراسری و قدرتمند جلو برد. یک رکن مهم همه این مبارزات، اجتماعات کارگران است. این اجتماعات را باید به مجمع عمومی منظم کارگران و محل تصمیم گیری آنان تبدیل کرد و نمایندگان کارگران از کارخانجات مختلف میتوانند به تدارک اعتراضات همزمان کارخانجات در سطح شهرهای مختلف بروند. از جمله در شهر قزوین سنت و تجربه چنین مبارزات مشترک چندین کارخانه با هم وجود دارد و هم اکنون تعداد بسیاری از مراکز کارگری در شهر صنعتی البرز در اعتراضند. این اعتراضات را میتوان متحد و یکپارچه کرد.

مبارزه متحد و سراسری کارگری

برای دستمزدهای پرداخت نشده، میتواند به کارگران فرصتی بدهد که نه تنها دستمزدهای معوقه خود را نقد کنند، بلکه خواستههای فوری دیگر خود از جمله افزایش دستمزدها حداقل یک میلیون تومان، متوقف شدن فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری و آزادی فوری کارگران زندانی و دیگر خواستههایشان را طرح کنند. باید به تدارک مبارزات سراسری و متحد کارگران برویم.

خط فقر در ایران به بیش از یک میلیون تومان رسیده است. گرانی هر روز بیشتر میشود. رئیس مرکز آمار ایران صریحاً اعلام میدارد که بیش از ده میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق و بیش از سی میلیون نفر دیگر زیر خط فقر نسبی به سر میبرند. با این ارقام این جانباں دارند، تباهی هر روزه کارگران و مردم محروم جامعه را سانت به سانت اندازه میگیرند. دستمزد پرداخت نشده، یعنی

نپرداختن همین حداقل دستمزدها و این یک جنایت آشکار است.

هزاران کارگر در صدها واحد تولیدی دستمزدهایشان ماهها پرداخت نمی گردد. این جهنمی است که کارفرمایان و حکومت اسلامی برای کارگران و خانواده هایشان ساخته اند. این وضعیت اسفبار، این بردگی آشکار نباید ادامه یابد. علیه این وضعیت نابسامان باید سر به شورش برداشت.

دولت و حکومتی که قادر به تامین معیشت کارگران نیست و خود عامل بقا و مسبب گرانی، بیکاری و فقر روز افزون اکثریت عظیم جامعه است باید به زیر کشیده شود.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران  
سیزدهم مرداد ماه ۱۳۸۹، چهارم اوت ۲۰۱۰

### آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

## با مبارزه ای متحد و سراسری دستمزدهای پرداخت نشده خود را نقد کنیم اخباری از اعتراضات کارگری بر سر دستمزدهای پرداخت نشده

دستمزدهای پرداخت نشده يك معضل سراسری کارگران است.

### مخابرات راه دور شیراز:

۷۰۰ کارگر مخابرات راه دور شیراز ۱۶ ماه است دستمزد نگرفته اند. حراست این کارخانه کارگران این کارخانه را بخاطر اینکه اخبار مربوط به اعتراضات خود را به سطح رسانه ها کشانده اند، مورد تهدید قرار داده است. این کارگران همگی بالای ۱۹ تا ۱۴ سال سابقه کاری دارند و اکثرا در آستانه بازنشستگی هستند.

### لوله سازی خوزستان:

۶۰۰ کارگر لوله سازی خوزستان ۱۵ ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. ابعاد این جنایت باور نکردنی است. این کارگران هر روز برای نقد کردن دستمزدهایشان تجمع میکنند. جاده می بنندند. تحصن میکنند. به مقامات رژیم مراجعه میکنند. ولی جوابی نمیگیرند. مبارزاتی که هر روزه است. در همین ده روز اخیر گزارش از دهها مرکز کارگری منتشر شده است که بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به تجمع و اعتراض زده اند که عبارتند از:

### آوانگان اراک:

روز ۴ مرداد کارگران و برخی پرسنل شرکت صنعتی آوانگان اراک در محل کارخانه جمع شدند و با دست گرفتن پلاکاردهایی دست به تظاهرات زده و خواستار دستمزدهای معوقه و مطالبات خود شدند.

### آجرماشینی سازمایه

#### پاکدشت کرج:

یکی از مراکز کارگری که در آن هر روزه اعتراض و مبارزه است، سازمایه پاکدشت کرج است. يك هفته بعد از تعطیلات نوروز بود که این کارگران دست به اعتصاب زدند و خواستار دو ماه حقوق معوقه خود شدند. و این اعتراضات تا کنون بطور متوالی ادامه داشته است. اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران برای دستیابی به دستمزدهای معوقه و سایر مطالبات خود تاکنون به نتیجه نرسیده است. این واحد تولیدی مانند بسیاری از

واحدهای تولیدی مشابه توسط صاحبان و مدیران آن به تعطیلی کشانده شده است، اموال آن توقیف شده و کارگران در بلا تکلیفی بسر میبرند. آخرین اولتیماتوم کارگران سی ام تیر بود که کارگران اعلام کرده بودند، چنانچه مطالبات آنان متحقق نشود و باز مانند سابق وعده و وعیدهها پوشالی باشد و باز هم بخواهند کلاهبرداری کنند، روز سی ام تیر ماه دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

روز سی ام تیر کارگران سازمایه که تعدادشان حدود ۲۰۰ نفر بود طبق قرار قبلی در محل این کارخانه حاضر شدند و خواهان بازگشت بی قید و شرط به کار و همچنین دریافت مطالبات خود شدند اما با جواب سربالای مدیریت این شرکت روبرو شدند. هر کدام از این کارگران معترض بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان از شرکت طلب دارند که تماما حقوق معوقه آنهاست. با شروع این تجمع اعتراضی در داخل کارخانه، سپاه، اطلاعات، نیروی انتظامی به کارخانه گسیل شدند و درحمایت ازغارتگران قصد داشتند کارگران را ناچار کنند کوتاه بیایند و به تجمع خود پایان دهند. اما کارگران تا ساعت ۱۱ به تجمع خود ادامه دادند. در این میان مدیریت کارخانه که به پشتگرمی سپاه و اطلاعات و سایر همدریف هایشان در پست های دولتی به چپاول و یغمای حقوق کارگران مشغول هستند، محل را ترك کردند. اما آنچه در این حرکت کارگری چشمگیر و جدید بود تصمیم کارگران برای به دست آوردن مطالبات شان بود. به این ترتیب که کارگران اعلام کردند در صورتی که حقوق و مطالبات عقب افتاده شان داده نشود، از روز شنبه ۳ مردادماه کارخانه را از طریق روزنامه ها به مزایده میگذارند و اگر تا يك هفته کسی کارخانه را نخرید، خود کارگران بصورت جمعی کارخانه را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان میخرند و خودشان صاحب کارخانه میشوند. دولت هم باید باقی مطالبات آنها را

روز ۲۹ تیر ۷۰۰ کارگر سد ژاوه در اعتراض به ۵ ماه دستمزد پرداخت نشده دست به اعتصاب زدند و در دوازدهمین روز این اعتصاب نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کارگران معترض را مورد یورش قرار دادند و ۴ نفر از کارگران به نام های عسگر شاهمرادی، افشین احمدی، فرید آدمند و هیوا سهیلی را بازداشت کردند که در ادامه اعتراض کارگران، بازداشت شدگان با قرار وثیقه از زندان آزاد شدند. به کارگران بازداشت شده اخطار داده شده است که اگر به اعتصاب ادامه دهند، آنها را از کار اخراج خواهند کرد. بنا بر آخرین گزارشها در نتیجه این اعتراضات کارفرما ناگزیر به پرداخت یکماه از حقوق معوقه کارگران شد.

### نساجی کشفاب: (واقع در جاده مخصوص کرج)

کارگران نساجی کشفاب از سال ۸۵ تا کنون عیدی و مزایای خود را بطور کامل دریافت نکرده اند. دستمزد این کارگران بسیار ناچیز است و کارگران برای تامین بخشی از هزینه های خود ناگزیر به اضافه کاری هستند که اکنون بدلیل نبود تولید اضافه کاری ها قطع شده و کارگران در فشار و تنگنای زیادی قرار گرفته اند. در این کارخانه قبلا حدود ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال داشتند و در حال حاضر تنها ۳۰ کارگر در آنجا شاغلند و تمامی قسمت های کارخانه تعطیل است و تنها دو قسمت آن کار میکنند. هم اکنون این کارخانه هیچگونه تولیدی ندارد و فقط پارچه از کارخانه های دیگر میگیرد و رنگرزی میکند. کارگران نساجی کشفاب به این وضعیت معترضند.

### فرخ قزوین:

روز شنبه دوم مرداد بیش از ۳۵۰ نفر از کارگران کارخانه فرخ قزوین در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و دو ماه عیدی و پاداش در مقابل این کارخانه در شهرک صنعتی البرز قزوین تجمع کردند. یکی از کارگران در گفتگو با ایلنا میگوید: "تجمعات ما به اسم شورش و اخلاک همیشه سرکوب میشود".

### نازخ قزوین:

روز ۴ مرداد بیش از ۱۲۰ کارگر نازخ قزوین در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۵ ماه دستمزد در مقابل کارخانه تجمع کردند. یکی از کارگران به آژانس ایران خبر گفت: "بیش از ۵ ماه است که به ما حقوق نداده اند وضعیت معیشتی مان بسیار بد است، خانواده هایمان از هم پاشیده به هر ارگانی هم که مراجعه میکنیم کسی به ما جواب نمی دهد. مجدداً امروز اینجا تجمع کردیم که حق خودمان را بگیریم".

### کارخانه مه نخ قزوین:

روز ۱۱ مرداد بیش از ۵۰ نفر از کارگران کارخانه مه نخ قزوین از ابتدای صبح در مقابل این شرکت دست به تجمع زدند و خواهان ۷ ماه حقوق عقب مانده خود شدند. یکی از کارگران میگوید: "ما دیگر کاره به استخوانمان رسیده، هیچ کاری برای ما پیدا نمیشود، زن و بچه های ما هم انسان هستند، چگونه باید شکم آنها را سیر کنیم. صاحب خانه ام دارد مرا از خانه بیرون میکند. چکار کنم آیا این مملکت صاحبی دارد پس کو؟ چرا این همه باید روی ما فشار باشد، يك عده زیر فشار فقر له میشوند و يك عده برای خودشان از دسترنج ما خوش میگذرانند".

### پارس متال قزوین:

بنا به گزارشهای منتشر شده حدود ۴۵۰ نفر از کارگران قراردادی کارخانه پارس متال ۴ ماه است که دستمزد و مزایای حداقل خود را دریافت نکرده اند. در این مدت کارگران هر روزه دست به تجمع و اعتراض زده و به مقامات مسئول مراجعه کرده اند. اما هیچ پاسخی نگرفته اند. کارگران اعلام کرده اند تا گرفتن همه طلبهایشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

### کارخانه چینی البرز، قزوین:

روز ۱۳ مرداد بیش از ۱۸۰ کارگر کارخانه چینی البرز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه دستمزد در مقابل این شرکت در شهرک صنعتی قزوین دست به تحصن زدند. بنا بر گزارشها این کارگران همگی بین ۱۹ تا ۲۴ سال سابقه کار دارند و اکنون در بلا تکلیفی بسر میبرند. کارگران

بدهد. اعضای شورای تامین استان که وضعیت را به این صورت دیدند درهراس از ایستادگی کارگران، با درماندگی نمی دانستند چکار کنند. صحنه آخر این حرکت شجاعانه کارگران با پیروزی کارگران به پایان رسید. به این ترتیب معاون فرمانداری از طرف رئیس دادگستری و فرماندار مامور شد که يك میلیارد وام دریافت کرده و حقوق کارگران را بپردازد و از طرف کارگران نیز چند نفر نماینده انتخاب کردند که برای مزایده معدنهای کارخانه اقدام کنند. رئیس دادگستری وعده داد که پیگیری خواهد کرد که حقوق کارگران طی ۱۰ روز آینده پرداخت شود و بنا بر آخرین خبر بعد از تعطیلات تابستانی کارخانه در روز ۱۵ مرداد باقیمانده بدهی کارگران از محل وامی که مدیران کارخانه دریافت کرده اند، پرداخت خواهد شد.

کارگران که به تجربه در این سالیان می دانند با وجود این وعده ها نباید از تلاش و اقدامات خودشان کم کنند اعلام کردند نمایندگان کارگران از شنبه دوم مرداد دنبال کارشناس میروند تا برای قیمت گذاری اقدام کند. نمایندگان کارگران اظهار داشتند که میدانند که این دولت مساله ای از آنها حل نمیکند و دروغ میگویند و فقط وقت میخرند. آنها افزودند که ما نیز تا آخرین توانمان پیگیر هستیم که حق و حقوق خود را بگیریم. کارگران این کارخانه که طی چند ماه گذشته سختی های بسیاری را تحمل کرده اند امروز با ایستادگی و یکپارچگی خود به پیروزی دست یافتند.

### سد دولاپ سنندج:

روز ۷ مرداد کارگران سد دولاپ سنندج که مدت ۴ ماه است هیچگونه حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند، برای چندمین بار متوالی در محل سد دست به اعتصاب زدند. سد دولاپ واقع در ۳۰ کیلومتری جاده کامیاران به سنندج قرار دارد.

### کارگران سد ژاوه:

# زنده باد سوسیالیسم!

## گزارش تصویری: تظاهرات در مقابل کنسولگری رژیم در فرانکفورت برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی



گویا هیچ انقلابی در آن رخ نداده و هیچ کسی در خیابان کشته نشده یا اعدام و سنگسار نگشته است، پیشاپیش محکوم به شکست است. این دستاورد انقلاب مردم است که دیگر هیچ کس این دروغ‌ها و اراجیف را باور نمی‌کند. آن جامعه یک انقلاب از سر گذرانده که تبعات و دستاوردهای آن دامن این حکومت را گرفته است. بنظر امیر محبیان، سرمقاله نویس روزنامه راستگرای "رسالت"، جناح اصولگرا و دار و دسته احمدی نژاد به معضل نظام تبدیل شده اند. باید این هشدار تشویرسین جناح راست حکومت ایران را دقیق تر کرد؛ جمهوری اسلامی به معضل خودش تبدیل شده و با هر قدمی که برمی‌دارد، فقط خودش را افشا می‌کند. باید این معضل را کنار زد و کنار زدن آن کاری است که از عهده هیچ‌کدام از جناح‌ها و نیز اپوزیسیون حافظ نظام این رژیم ساخته نیست. تعیین تکلیف این معضل مسئله‌ای است که تماما به انقلاب مردم و پیروزی این انقلاب وابسته است. \*

است که با تمام این بدهی‌ترین حقوق انسانی در تناقض پایه ای است. نشان داده است که مخالفت با حضور زنان در عرصه های اجتماعی و تحمیل هزار و یک قانون مذهبی و ضدانسانی بر زندگی زنان، واقعیت انکارناپذیر جمهوری اسلامی است. و با وجود این همه، دنیا دیگر اراجیف و دروغ های این حکومت را باور نمی‌کند. تمام تلاش و دست و پا زدن های این حکومت برای خلاصی از انقلابی صورت می‌گیرد که بیشتر از یکسال است در آن جامعه شروع شده و در روند پیشروی اش جنایت ها و تناقضات این حکومت را مقابل چشم جهانیان قرار داده است و به این وسیله امکان دروغ گویی دیگر از این حکومت گرفته شده است. جهان دیگر با جنایات و هوچی گری های جمهوری اسلامی کنار نخواهد آمد. دنیا بخوبی می‌داند که با رژیم طرف است که نفس امنیت زندگی را از مردم دریغ داشته است. تلاش این رژیم برای شارلاتان بازی و گل آلود کردن دوباره فضای سیاسی و ارائه چهره ای آرام و مساعد از ایران که

## جمهوری اسلامی به معضل خودش تبدیل شده است



هادی وقفی

چقدر برای سرمایه گذاری مساعد است! اختلافات نسبت به برگزاری همایش، به روز افتتاح آن نیز کشیده شد. روز افتتاح ابتدا دو تن از آخوندهای جنایتکار حکومت، حجج اسلام رازینی و گرگانی، به اعتراض به دف زنی دختران در کنسرت موسیقی علیرضا عصار، سالن همایش را ترک کردند و خود رئیس جمهور هم تا زمانی که دف زنی دختران به اتمام نرسید، در سالن حاضر نشد. در واقع، تمام تلاش حکومت برای اینکه به ایرانیان از فرنگ آمده نشان دهد که بینید اسلام چقدر دین نازنینی است که با موسیقی و زن هیچ مشکلی ندارد و اینکه ما چه زنان هنرمندی با روسری و پوشش اسلامی پرورش می‌دهیم و غیره، از همان ابتدا از سوی خودش به شکست کشانده شد. حکومت با هر قدمی که در جریان برگزاری این همایش برداشت، فقط بی‌آبرویی، ناکارآمدی، ناتوانی و تناقضات عدیده دستگاه سیاسی - اجرایی خودش را نشان داد. از ابتدای طرح صحبت‌ها در مورد برگزاری این همایش میان این جنایتکاران اختلاف پیش آمد. هم‌دیگر را متهم کردند که برگزاری این همایش با اهداف ما در تناقض است. سخنگوی دستگاه وزارت خارجه اش یک روز گفت ما در جریان برگزاری و سازماندهی این همایش نبوده ایم و نمی‌دانیم چه کسانی دعوت شده‌اند و فردای آن روز اعلام کرد ما از ابتدا در جریان همه چیز قرار داشتیم و این همایش با هماهنگی کامل وزارت خارجه ترتیب یافته است! نماینده مجلس که اتفاقاً اصولگرا است، دولت را خطاب قرار داد که روز بروز جاذبه مانند در کشور را کاهش می‌دهد و بهتر است بجای دغدغه جذب ایرانیان مقیم خارج، دغدغه فراریان و از کشور خارج شدگان را داشته باشد. حسین شریعتمداری، نماینده خامنه ای در روزنامه کیهان هم ضمن اشاره به هزینه های چند ده میلیاردی برگزاری این همایش، انتقاد می‌کرد که قرار بوده است افرادی که از دل‌بستگان به ارزشهای اسلامی هستند، به این همایش دعوت شوند. این در حالی بود که "هوشنگ امیراحمدی" استاد دانشگاه راتگرز آمریکا که به دلالت رابطه ایران و آمریکا معروف است، گفته بود که تعداد زیادی اساسا برای دید و بازدید خانوادگی یا گرفتن

طی هفته گذشته برگزاری "همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور" که روز دوم ژوئیه با دعوت دولت احمدی نژاد از شماری از ایرانیان دست چپین شده از سراسر دنیا در سالن کنفرانس کشورهای اسلامی کار خود را آغاز کرد، به یکی از عرصه های بروز اختلاف میان جناح های حکومتی تبدیل شد. با این تفاوت که بقول "امیر محبیان"، نظریه پرداز طیف راست حکومت، اینبار این اختلافات بدون خود جناح اصولگرا کشیده شده و در خود این جناح، این سرش آن یکی سرش را قبول ندارد! این همایش که باصطلاح با هدف جذب سرمایه گذاران ایرانی خارج از کشور بمنظور سرمایه گذاری در ایران ترتیب یافته بود (جدای از اهداف واقعی آن از تلاش برای حضور و نفوذ حکومت در میان ایرانیان مقیم خارج گرفته تا جاسوسی و شناسایی فعالین و مخالفین و غیره)، به صحنه ای برای افشای رانت خواری ها و صرف چندین ده میلیارد تومان جهت برگزاری آن، آشکار شدن تناقضات ریشه ای و پایه ای حکومت اسلامی و قوانین شرعی و مذهبی اش با دنیای مدرن و زندگی انسانی و نیز با اقتصاد و هر نوع سرمایه گذاری تبدیل شد و در عین حال، بی‌آبرویی و عقب ماندگی ساز و کار کهنه، فرسوده و غیر علمی اقتصادی رژیم اسلامی (که انفجار یکی از پتروشیمی های منطقه اقتصادی عسلویه و مرگ هشت نفر درست هنگام بازدید هیئت صد و پنجاه نفره ایرانی جهت بررسی زمینه های سرمایه گذاری در بخش های پارس جنوبی از نشانه های آن بود) را جلوی چشم گذاشت. بعبارت دیگر، همایشی که قرار بود - حتی در هدف ظاهری اش هم - به جلب و جذب سرمایه گذاری در ایران بیانجامد، از همان ابتدا به ضد خودش تبدیل شد و در واقع حکومتیان حتی نتوانستند امنیت یک همایش چند روزه را تأمین کنند تا چه رسد به قالب کردن این دروغ فاحش به جهانیان (یا حداقل جماعت دعوت شده) که ببینند ایران

## جمال صابری از بازداشتگاه اداره مهاجرت ژاپن آزاد شد!



این موفقیت را به همه آنها تبریک می‌گوییم. همچنین جا دارد که به همه اعضا و واحدهای فدراسیون پناهندگان ایرانی در همه کشورها و همچنین تشکیلات حزب کمونیست کارگری در خارج کشور که بارها در برابر سفارتخانه‌های ژاپن در کشورهای مختلف تظاهرات کردند و با مقامات ژاپنی مذاکره کردند، خسته نباشید بگوییم. ما همواره خود را جزء یک تلاش جهانی برای آزاد کردن همه پناهندگان اسیر دولت‌ها چه در ژاپن و چه دیگر نقاط جهان دانسته و موفقیت حاضر را نیز تکیه‌گاهی برای پیشروی‌های بیشتر و انجام وظایف گسترده خود در تحقق حقوق پناهندگان قرار خواهیم داد. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۱۳ مرداد ۱۳۸۹

شود به خود احترام گذاشت اما واقعیت را کتمان کرد. نمیشود پز بیان حقیقت را بخود گرفت اما حتی نصفی از حقیقت را هم، که همان برسمیت شناختن مبارزه بی وقفه رهبران حزب کمونیست کارگری از جمله مینا احدی و مریم نمازی، بیان نکرد. دوستان بخودتان توهم نداشته باشید. صدایتان را کسی نمی‌شنود. حداقل با خود صادق باشید. پرده‌ها را پائین بکشید و در خلوت خود، آنجا که بیان حقیقت کسی را نمی‌آزارد، به قیافه خود و به رفتار و جنب و جوش خود فکر کنید! زشت است.

در پی چند ماه تلاش و مبارزه‌ای جهانی، در ژاپن و بسیاری کشورها، سرانجام امروز ۴ اوت ۲۰۱۰ جمال صابری از زندان دولت ژاپن آزاد شد. اکنون مرحله اول کمپین "جمال را آزاد کنید"، که عبارت بود از ممانعت از دیپورت احتمالی جمال به قتلگاه جمهوری اسلامی و آزاد کردن او از سیاهچال اداره مهاجرت ژاپن، با موفقیت به پایان میرسد. تلاش ما اینک برای گرفتن پناهندگی و اقامت جمال صابری متمرکز میشود.

این موفقیت بدون کمک تک تک شما عزیزان ممکن نبود. از دوستان جمال در ژاپن، اتحادیه کارگران راه آهن و دیگر حامیان او گرفته، تا سازمانهایی چون "میشن فری ایران" در آمریکا و هزاران انسان شریفی که در سراسر جهان در این کمپین ما را یاری کردند در این پیروزی سهیم اند و ما

مدرسی و محمد فتاحی هستند. اما خطاب در حزب حکمتیست به کسانی که درباره فضای اعتراضی ایران مثل مصطفی رشیدی فکر می‌کنند این است که نمی‌شود این واقعیت را کتمان کرد که تمام هم و غم حزب کورش مدرسی، که شما هم در پیشبرد این ترها شریک بودید، ضربه زدن به "فضای اعتراضی و خواست روشن مردم ایران" بوده است. نمی‌شود تمام انرژی خود را در خدمت خراب کردن حزب طبقه کارگر ایران، حزب کمونیست کارگری بکار برد و درباره مبارزه و خواسته‌های روشن مردم این چنین حرف زد. نمی

رژیم اسلامی بشوراند. اما در حالی که دنیا دارد پرونده سکینه را از زبان مینا احدی و کمیته بین المللی علیه سنگسار دنبال می‌کند، اینها هنوز مشغول جویدن ناخنهای خود هستند. دریغ از يك اطلاعیه‌ای که حتی بگوید "نه به سنگسار." (و يك واقعیتی که فراتر از محفل دنباله‌روان کورش مدرسی می‌رود این است که الحق اینها تنها کسانی نبوده‌اند که در بین محافل اپوزیسیون ایرانی در این باره سکوت کرده‌اند؛ چه عمدا و چه اینکه فکر کنند سنگسار فرهنگ خودی است! این یکی فعلا بماند.)

ما در سالهای گذشته بر سر مواضع مختلف با پیروان خط و تزهاری کورش مدرسی در محفل اینها جدل کرده‌ایم. در همین یکسال گذشته در مورد انقلاب جاری در ایران با اینها درگیر بودیم و مدام اینها را بعنوان جغد انقلاب افشا کرده‌ایم. ما در حزب کمونیست کارگری ایران از همه تلاشهای نامیمون اینها برای به شکست کشاندن انقلاب بحق مردم ایران علیه يك مشت دزد، جانی و آدمکش عکس گرفتیم، و جوابشان را کف دستشان گذاشتیم. اما در مورد کیس سکینه و اعتراضاتی که تا همین امروز رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی‌های سیاسی مهمی کرده‌گرچه سکوتشان ناشی از همان متد و نگرششان به مبارزه علیه رژیم اسلامیست ولی این یکی مرگبارتر از همه مواردی است که ما سالهاست با آن درگیر بوده‌ایم و جدل کرده‌ایم. اینها دیگر نمی‌شود سکینه محمدی آشتیانی را با هیچ تز و منطق و چرخشی به جناحی از رژیم اسلامی چسپاند و به مبارزه برای لغو مجازات اعدام و سنگسار لعن و نفرین فرستاد! دیگر نمی‌شود به مردم در گرجستان، کنیا، آمریکا، کانادا، انگلیس، ایتالیا، سوئیس و آلمان و غیره و غیره گفت که به خانه‌هایتان بروید. "خر نشوید" که این دعوای خودیهای رژیم است! درباره حزب کورش مدرسی زیاد می‌شود گفت. اما اجازه بدهید که اعضای آن در خلوت خودشان به چند سال فعالیت‌های خود فکر کنند.

مصطفی رشیدی می‌گوید: "موتور محرکه این تحرك، فضاي اعتراضی و خواست روشن مردم ایران است." این ادعا البته در تقابل کامل با تزهاری رهبری حزب حکمتیست قرار می‌گیرد. می‌دانم که مصطفی رشیدی سخنگوی این حزب نیست. سخنگویان واقعی این حزب کورش



## اعتراضات در خلاء صورت میگیرند!

در حاشیه نوشته مصطفی رشیدی  
یدی محمودی

پارلمانها و دولتها، حمایت گسترده و جهانی را حول خود گرد آورده است. تعداد آکسیونها و اجتماعات اعتراضی و حمایتی در سراسر جهان از شمار خارج شده است. هزاران انسان آزاده در ایران و جهان، زن و مرد، با انواع ابتکارات بحکم وجدان و مسئولیت انسانی خود همبستگی پرشوری را خلق نموده‌اند: جمهوری اسلامی را محکوم کنید! سکینه آزاد باید گردد! موتور محرکه این تحرك، فضاي اعتراضی و خواست روشن مردم ایران است که پژواک اینچنینی را در دوردستهایی جهان می‌سازد. خانواده او، صدها صدایی اعتراضی و حمایتی دیگر توانسته‌اند که خواست عمومی مردم در ایران علیه احکام و دادگاه و قوانین دست اندرکار رژیم و حکم سنگسار سکینه را در افکار عمومی جهان بشناسانند. این تنها يك نمونه از جنگ تن به تن مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. این تصویر مصطفی رشیدی از اعتراضات مردم دنیا علیه رژیم اسلامی البته که سر و دم بریده است. اگر کسی دنبال حقیقت اعتراض و مبارزه میلیونی مردم دنیا علیه وحوش اسلامی و سنگسار، این توحش قرن ۲۱ می‌گردد، باید به سایت‌های کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، به سایت روزنه و نشریات و دیگر رسانه‌های حزب کمونیست کارگری مراجعه کند. باید از مینا احدی مسئول این کمیته‌ها و مریم نمازی و دهها و صدها چهره دیگر از فعالین جنبش اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی و رهبران حزب کمونیست کارگری ایران اسم ببرد که اینچنین دنیا را علیه جانیمان اسلامی بسیج کرده‌اند. اما مصطفی رشیدی در کل نوشته اش حتی یکبار هم به چنین شخصیت‌هایی اشاره نکرده است. گویا می‌شود از همه چیز اسم برد بغیر از همان اصل مطلب! حتی باندازه صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم جرأت بخرچ نداده‌اند که از سازماندهندگان اصلی این نبرد اسم ببرند.

بعد از هفته‌ها سکوت بالاخره کسی از حزب حکمتیست سکوت را شکست و مطلبی درباره حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی نوشت. اینها اما اگر این نوشته را هم که از مصطفی رشیدی است نمی‌نوشتند، سنگین تر می‌بودند. من اینجا نکاتی را درباره این نوشته می‌نویسم که نشان بدهم این جریان چقدر پرت و فرقه‌ای است و دلیلش ابدا از سر اهمیت اینها نیست.

مصطفی رشیدی می‌نویسد: "تا دو ماه پیشتر سکینه محمدی آشتیانی يك زن گننام نگون بختی بود که در بند زنان زندان تبریز در انتظار سرنوشت شوم ساعتها و روزها را يکي پس از دیگری برمی‌شمارد. کورسوئی از امید به هرگونه تغییر در این سرنوشت پیدا نبود. قرار بود با سنگسار نقطه پایان بر زندگی وی گذاشته شود. امروز سکینه محمدی يك نام و يك چهره کاملاً شناخته شده در سراسر جهان است. بدون هیچ اغراقی میلیونها نسخه از عکس و شرح و حال دقیق وی دست بدست گشته است. سکینه تا دیروز مجرم و امروز يك قربانی بحساب می‌آید. سکینه تا دیروز يك اسیر بی پناه ارتجاع کور و امروز سمبل رهایی علیه ارتجاع و سرکوب محسوب می‌گردد." وقایع به این مهمی در خلاء اتفاق نمی‌افتند. آدم‌هایی باید این کارها را کرده باشند؛ باید صدای سکینه را به گوش جهانیان رسانده باشند؛ باید همان نقطه امید را ایجاد کرده باشند. باید امید به تغییر را ایجاد کرده باشند. سوال اینجاست که حزبی که اسم منصور حکمت را هم یدک می‌کشد کجای این جنگ و جدال و این مبارزه شورانگیز انسانی علیه رژیم سنگسار و شکنجه ایستاد؟! مصطفی رشیدی و دوستانش چندان از عکسهای سکینه را دست بدست چرخاندند؟ چند آکسیون را سازمان دادند و یا بهتر است بگویم در چند آکسیون سازمان داده شده شرکت کردند؟ چقدر اطلاع‌رسانی کردند؟ چند صفحه نشریاتشان را به این امر اختصاص دادند؟ و البته که درست جلس زدید؛ مطلقا هیچی! وی در جای دیگری می‌نویسد: "نجات سکینه محمدی در دو ماه گذشته صدها نهاد و انجمن دفاع از حقوق بشر، اعضای

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود